بنام خدا

امید

شمارهٔ ۱۰۰۰

هفته نامهٔ مردم افغانستان

در امریکا نسخه $1.50

شمارهٔ پنجم /سال بیست وچهارم / جمعه ۱۹سرطان ۱۳۹۴ / ۱۰ جولای ۲۰۱۵/ شمارهٔ مسلسل ۱۰۰۰

بیمهٔ استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR,
STATE FARM IS THERE.®

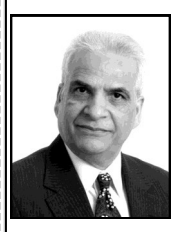

For your insurance and financial needs, see State Farm agent:
Afzal Nasiri, Agent
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224

ماری خلیلی ، افضل ناصری

خانه، موتر، صحت
حیات، تجارت

STATE FARM INSURANCE

افغان مینی مارکیت عرضه کنندهٔ انواع مواد خوراکهٔ وطنی

یگانه مغازهٔ افغانی درمنطقهٔ واشنگتن بزرگ
که تازه ترین موادخوراکی، انواع میوه های فصل، نان های تازهٔ وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد ازافغانستان، وگوشت های تازهٔ مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسبت تقدیم میکند
ارسال پول به تمام دنیا بزودترین فرصت با
Western Union
6566 Backlick Rd.Springfield. VA 22150
Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

عید سعید رمضان
و چاپ هزارمین شمارهٔ امید مبارک باد !

نسبت این تقارن مسعود، بهترین تمنیات خدمت خوانندگان عزیز تقدیم می گردد.

عید آمد و هر کس پی کار خویش است — می نـازد اگر غنی وگر درویش است
من (بی تو) به حال خویش نظر ها کردم — دیدم که هنوزم رمضان درپیش است

انتلاف جمعیت و جنبش برای مبارزه مشترک علیه طالب و داعش در شمال

۲۱جون/مزارشریف ـ صدای امریکا: جنبش ملی اسلامی برهبری عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست جمهور و جمعیت اسلامی که عطامحمد نور سرپرست ولایت بلخ ریاست اجرایی آنرابعهده دارد در یک رویکرد تازه با هم یکجا شدند تا برضد مخالفین مشترک شان – طالبان مسلح وداعش– بجنگند. آقای دوستم روز یکشنبه در صفحه رسمی فیسبوکش نوشت پس ازدیدار با نمایندگان و متنفذین ولایت فاریاب از توافقات حاصله میان احزاب جمعیت و جنبش به منظور دفاع در برابر دشمنان صلح و آرامش مردم ما خوشنود است.

پیشترازین آقای نوردرصفحه رسمی فیسبوکش نوشت:من ازاتحاد احزاب جمعیت اسلامی وجنبش اسلامی درفاریاب نهایت خرسندم و آنرابستری برای صلح وامنیت وپیام خوبی برای مردم فاریاب میدانم .

باوجود ائتلاف نیروهای جنبش وجمعیت، آقای دوستم گفته که به شدت مخالف ملیشه سازی وبه کارگیری اینگونه نیروها برای تامین امنیت است. باآنکه او ننوشته که نیروهای جنبش و جمعیت اسلامی در چگونه تشکیلاتی در برابر دشمنان شان خواهند رزمید اما گفته که نقش مردم ما در شکلگیری دولت کنونی مبرهن و روشن است این واقعیت را نمیتوان کتمان کرد.دوستم همچنان ازمردم درشمال خواسته تا با قیام کنندگانیکه ضد افراد طالب وداعش بپاخاسته اند بپیوندند.

ائتلاف جنبش وجمعیت ظاهراًدر واکنش به آنچه گسترش جنگ طالبان به شمال خوانده میشود به میان آمده است. طالبان درین اواخر بخشهایی از ولایات کندز، بلخ، بدخشان، تخار وفاریاب را آماج حملات قراردادند که در تازه ترین مورد آن گروه روز شنبه ولسوالی چهاردرهٔ ولایت کندز را تصرف کردند .

گفتگو با مقامات هندی پیرامون بند سلما

۲ جولای/کابل ـ باختر: انجنیرعلی احمد عثمانی وزیرانرژی وآب با مقامهای بلندپایه وزارت مالیه، اقتصاد، اعضای سنا، اعضای مجلس نمایندگان همراه با معاون سفیر هندوستان در کابل پیرامون کار بند سلما صحبت و گفتگونمود. در این دیدار وزیرانرژی و آب نخست از مسئولان هندی خواست تاشرح مختصر از کار در بندسلما را ارائه کند.پس ازآن هیئت هندی جریان کار و میزان رشد کار بند سلما را از سال ۲۰۰۵ تا کنون توضیح دادند.

در این نشست سناتور احمد جاوید رووف، قاضی نذیر احمد حنفی، نجلا دهقان نژاد، غلام فاروق نظری و خلیل احمد شهید زاده پرسش های جدی شان پیرامون هزینه، افزایش قیمت و میزان تولید برق با هیئت هندی مطرح کردند، این اعضای پارلمان نیز از هیئت هندی خواستند تادرین زمینه بیشترجدی باشند.

هیئت هندی تاکیدکرد دولت هند متعهد است تا چهل ودو میگاوات برق را از بند سلما برای شهروندان افغانستان تولید کند .

نگرانی از اوضاع امنیتی فاریاب

۷ جولای/میمنه ـ بی بی سی: رئیس شورای ولایتی فاریاب از اوضاع امنیتی این ولایت ابرازنگرانی کرده گفت اگر نیروهای تازه نفس به محل اعزام نشود، امکان سقوط هفت ولسوالی وجود دارد و شاید جنگ به شهرمیمنه مرکز ولایت کشانده شود. سیدباقی هاشمی گفت اکنون مردم در ولسوالی‌های المار، قیصار و پشتون کوت در محاصره نیروهای طالبان اندوحدود ۶۰روستا نیز در این سه ولسوالی بدست نیروهای طالبان افتاده‌اند. اومدعی شدمردم در این ولسوالی‌ها که شمار آنان به سه هزار خانواده می‌رسد، به ارتفاعات فرار کرده و عملا در محاصره نیروهای گروه طالبان قراردارند. هاشمی ازدولت خواست با راه اندازی عملیات ویژه جلوسقوط ولسوالیها ومرکز ولایت رابدست طالبان بگیرد. اوگفت طالبان توانسته‌اند ۸پاسگاه نظامی راتصرف و در ۶۰روستای تصرف شده، مستقر شوند.

اما یک مقام پلیس فاریاب که خواست نامی از اوبرده نشود، با تایید حمله افرادطالبان، گفت فقط ۸روستا در ولسوالی‌های قیصار، المار و پشتون کوت بدست طالبان ونیروهای مردمی که به حمایت از نیروهای امنیتی اسلحه بدست گرفته‌اند، اکنون باطالبان درحال جنگند و در این سه ولسوالی حضور دارند امااین نیروها در محاصره نبوده و نیروهای امنیتی موفق شده به آنان مهمات لازم را برساند.

به گفته او اکنون حدود ۵۰۰الی ۶۰۰نیروی محلی مسلح دراین سه ولسوالی حضور دارند و در مقابل نیروهای گروه طالبان می‌جنگند.

از بهار امسال تاکنون ولایات شمالی افغانستان شاهد نا آرامی زیادی بوده است. ولایت های شمالی به کشاورزی شهرت دارند و در این زمان فصل برداشت محصول است. مردم این محلات گفته اند ادامه درگیری وآواره شدن مردم محلی می‌تواند خسارت زیانبار اقتصادی برای مردم و در کل افغانستان وارد کند .

PROTECT YOUR WORLD
AUTO • HOME • LIFE • RETIREMENT
AF Insurance Group
(703) 348-6247
Allstate You're in good hands.
Auto Home Life Retirement
13044 Fair Lakes Shopping Center
Fairfax Virginia 22033
abdulfitrat@allstate.com
We speak Farsi, Pashto, Urdu/Hindi and Arabic.
Insurance and discounts subject to terms, conditions and availability. Allstate Property and Casualty Insurance Co. Life insurance and annuities issued by Lincoln Benefit Life Company, Lincoln, NE, Allstate Life Insurance Company, Northbrook, IL, and American Heritage Life Insurance Company, Jacksonville, FL. In New York, Allstate Life Insurance Company of New York, Hauppauge, NY. Northbrook, IL. © 2010 Allstate Insurance Co.

رادیوتلویزیون ملی پنجشیر فاقد ساختمان میباشد

۲۳جون/پنجشیر ـ باختر: اداره رادیو تلویزیون ملی درولایت پنجشیر فاقد ساختمان اداری میباشد، باآنکه از تاسیس این اداره هشت سال میگذرد. شماری از کارمندان این اداره میگویند مدت هشت سال میشود که آنان درمکان های دولتی یا با کرایه گرفتن مکان های شخصی فعالیت های روزمره کاری خویش را به پیش میبرند.انجنیرعبدالرحمن عارفی آمررادیوتلوزیون پنجشیرگفت در دیداری که محمدعارف سروری والی جدید پنجشیر درنخستین روز کاری اش ازین اداره داشت وعده سپرددرقسمت مساعد ساختن جای وتخصیص بر اعمار تعمیر این اداره تلاش جدی خواهم کرد. درین دیدارسروری گفت درجهت بالابردن سطح پوشش نشراتی بامسئولان مرکزی درادیوتلوزیون ملی نیزاز نزدیک دیدار وملاقات میکند.

آمر رادیو تلویزیون گفت فعلاًاین اداره با امکانات ناچیز که دردسترس دارد با چهارساعت نشرات توانایی پوشش سه ولسوالی را درین ولایت دارد .

جان مکین به عبدالله : درمبارزه با دهشت افگنی وتروریسم دوشا دوش هم می‌جنگیم

۵ جولای/کابل ـ نور تی وی: داکترعبدالله عبدالله رئیس اجرائیه دیروزدر دفترکارش درقصرسپیداربا سناتورجان مکین رئیس کمیته نیروهای مسلح مجلس سنای امریکا وهیئت همراهش دیدار وگفتگو کرد. رئیس اجرائیه از همکاریها وتلاشهای مکین در راستای حمایت ازافغانستان درطی سالیان گذشته به قدردانی یاد نمود و او را یکی از خوبترین دوستان افغانستان خواند و از بهبود روابط میان دو کشور در سایه حکومت وحدت ملی سخن گفت. او باارزیابی اوضاع سیاسی، نظامی واقتصادی کشوربا برشمردن تهدیدهای مشترک علیه منافع هردوکشور خواهان ادامه همکاری‌های بیشتر میان افغانستان و امریکا به خصوص قوای مسلح دو کشور گردید.

مکین باسپاسگزاری ازپذیرائی واستقبال حکومت و مردم افغانستان، از دستاوردهای سالیان اخیر درکشور ورهبری وخردمندی رئیس اجرائیه دراداره کشوروعبورازبحران به نیکی یادنمود. مکین حمایت کشورش راازحکومت وحدت ملی وهمکاری باقوای مسلح افغانستان یکبار دیگر اعلان نمود.

درین نشست پیشرفتهای بدست آمده درحکومت وحدت ملی، مبارزه بافساد اداری، حکومتداری خوب، مبارزه با دهشت افگنی و راههای جلوگیری ازنفوذ وگسترش داعش موردبحث وتبادل نظر قرار گرفت. رئیس اجرائیه با اشاره به تهدیدهای مشترک علیه دو کشور گفت: افغانستان وقوای مسلح این کشور به نمایندگی از جهان صلح دوست علیه تروریسم وافراط گرایی میجنگند وادامه این مبارزه نیازمند همکاری مشترک بیشتر میان افغانستان و دوستان بین المللی این کشوراست. مکین درپاسخ ابرازداشت: ماخواهان مبارزه قاطع برای شکست و درهم کوبیدن تروریستها هستیم و وعده میدهیم که در مبارزه با دهشت افگنی و تروریسم دوشا دوش هم می‌جنگیم .

مظاهرهٔ مردم بامیان علیه مقامات امنیتی

۷جولای/بامیان ـ بی بی سی: صدها تن از ساکنان ولایت بامیان و خانواده های قربانیان پلیس محلی که پنجشنبه گذشته در ولسوالی جلریز ولایت میدان وردک کشته شدند، با برپایی تجمع اعتراضی ازدولت خواستند آن مسئولان امنیتی را که در این حادثه مقصر هستند، برکنار و مجازات کند. آنان مسئولان محلی ولایت میدان وردک را نیزبه بی‌توجهی متهم کرده و مدعی شدند که آنان درکشته شدن ۲۲ پلیس محلی درین ولایت دست دارند.این تجمع باآرامش برگزارشد و شرکت‌کنندگان عکس‌های مقامات امنیتی افغان را آتش زدند و صحنه‌های حمله طالبان به این سربازان پلیس را نیز بازسازی کردند. معترضین کشته شدن این سربازان را جنایت جنگی خواندند و از سازمان ملل خواستند تا از مجرای شورای امنیت با این گونه اعمال و عاملان آن برخورد قاطع کند.

روزپنجشنبه گذشته نیروهای پلیس محلی در ولسوالی جلریز با حمله افراد مسلح طالبان در محاصره آنان گیر افتادند و ۲۲نفر از آنها پس ازآنکه تلاشها برای ارسال کمک ونیروهای حمایتی برایشان بی‌نتیجه ماند، کشته شدند. بعد ازین حادثه یک هیات حقیقت‌یاب توسط رئیس جمهور گماشته شد تامشخص شودکه دلیل عدم اعزام نیروهای کمکی و مهمات برای این نیروها چه بوده است .این حادثه موجب واکنش زیادی در رسانه‌های اجتماعی شد.

درخبردیگری از بامیان مخالفان والی جدید این ولایت نیز بعد از یک ماه به تحصن خود پایان دادند. آنان قبل ازینکه خیمه تحصن خودرا جمع کنندبطرف ساختمان ولایت بامیان سنگ انداختندو شیشه‌ها راشکستند. طاهرزهیر، والی جدیدبامیان، علیرغم اعتراضهای مخالفانش، حدود یک هفته قبل به کارش آغاز کرد. درزمان معرفی این والی معترضان که سه نماینده مجلس ولایت بامیان نیز درجمع آنان بودند، هشداردادند تا زمانی که دولت به خواست آنها برای معرفی یک (والی غیرحزبی)پاسخ مثبت نداده، به اعتراض خود ادامه خواهند داد .

داکترعبدالله : عطا محمد نور والی بلخ است

۸جولای/مزارشریف ـ صدای امریکا: پیش ازآنکه ریاست جمهوری افغانستان فرمان تعیین والی بلخ راصادر کند، رئیس اجرایی حکومت وحدت ملی گفته است که موضوع گزینش مجدد عطامحمد نور حل شده است. در پاسخ به پرسشی درمورد تعیین مقام ولایت بلخ، داکتر عبدالله روزسه شنبه در نشستی درمزارشریف گفت : این موضوع یک مساله حل شده است ونیاز به بحث نیست. من درآغاز بحثم برادر عزیز وبزرگوارم استادعطامحمدنور راوالی بلخ خواندم ودیگر نیازی برای بحث درین مورد نیست. درصفحه رسمی فیسبوک آقای عطا هم از وی بحیث والی بلخ یاد می شود.

عبدالمالک صدیقی، معین اداره مستقل ارگانهای محلی، نهادی که امور گزینش والیان و ولسوالان رامدیریت میکند، گفت عطامحمد نورهنوز سر پرست ولایت بلخ است و فرمان گزینش او به صفت والی اصدارنیافته است. صدیقی گفت سرپرست ولایت بلخ تمام صلاحیت های اداری والی را دارد.

با آنکه داکترعبدالله انتصاب مجددآقای نور در سمت ولایت بلخ را موضوع حل شده وعاری از بحث خواند،یک مقام ریاست جمهوری که نخواست نامش گرفته شودگفت رئیس جمهورغنی تا حال فرمان گزینش والی بلخ را امضا نکرده است.

عطامحمد نوردرسال ۲۰۰۴به فرمان حامدکرزی بحیث والی بلخ تعیین شد. دراوایل امسال رئیس جمهورطی فرمانی تمام والیان ۳۴ولایت راسرپرست تعیین نمود. مقامها دراداره مستقل ارگانهای محل گفتندتا حال ۲۴والی بر اساس فرامین جداگانه رئیس جمهور به کار گماشته شده و برای ۱۰ولایت باقیمانده به شمول بلخ والیان تعیین خواهد شد.

شماری ازفعالین دموکراسی تعیین مقامهای ولایتی ازسوی ریاست جمهوری رامورد انتقادقرارداده میگویندااین مقامها بایداز طریق انتخابات برگزیده شوند .

معصوم ستانکزی آرا لازم بدست نیارود

۴جولای/کابل ـ باختر: معصوم ستانکزی امروزبا حضور درمجلس نمایندگان دریک سخنرانی کوتاه برنامه های کاری خودرا ارایه داشت، مگربه سئوالات وکلا پاسخ نگفت وپروسه رایدهی به گونه سری انجام شد. ستانکزی تنها ۸۴ رای موافق بدست آورد، درحالیکه وی حداقل به ۱۰۸رای نیازداشت . رای منفی برای معصوم ستانکزی ۱۰۴ رای بود، ۷رای سفید و ۱۸ رای دیگر با طل اعلام شد . عبدالرووف ابراهیمی رئیس ولسی جرگه از رئیس جمهور خواست تا شخص دیگری را برای پست وزارت دفاع ملی معرفی کند .

پیام رییس اجرائیه به مناسبت حادثهٔ جلریز

۵ جولای/کابل ـ نور تی وی: باکمال تاسف، دشمنان مردم، دشمنان وطن وانسانیت یکبار دیگر با انجام یک حمله گروهی بر پوسته های امنیتی ولسوالی جلریزولایت میدان وردک، بیش از ۲۰تن از سربازان امنیتی مستقر درپوسته های امنیتی را به شهادت رساندند. ضمن محکوم کردن این تهاجم وحشیانه برسربازان امنیتی، اعلام میکنیم که چنین حرکتهای ددمنشانه بی پاسخ نمی ماند.

برای شهدای این رویداد تکان دهنده از خداوند متعال بهشت برین و برای خانواده های این شهداء و مردم افغانستان صبر جمیل می طلبم.

همچنان اعلام میکنم که درمورد چگونگی اتفاق افتادن این رویداد حکومت یک تحقیق همه جانبه را فوراً رویدست میگیرد تا ابعاد و زوایایی احتمالاً تاریک این رویداد هر چه زود تر شناسایی گردد.

یکباردیگر تاکیدمیکنیم که دشمنان ماباانجام یک چنین عمل وحشیانه دشمنی خودبامردم افغانستان راثابت ساختندونشان دادند که سرکوب قاطعانه آنان تنهاراه ممکن برای تامین امنیت سراسری درکشوراست.

نخستین مذاکرات مستقیم دولت با طالبان

۸جولای/اسلام آباد ـ نور تی وی : اولین دور گفتگوهای صلح میان طالبان وهیئت رسمی حکومت افغانستان درپاکستان برگزارشد.این گفتگوها برای یک روز درشهر"مری"، واقع در ۶۰کیلومتری اسلام‌آبادبرگزارشد.درین مذاکرات نمایندگان ازکشورهای امریکا وچین نیز حضور دارند.جاش ارنست، سخنگوی قصر سفید، نشست نمایندگان حکومت افغانستان وطالبان درپاکستان رایک انکشاف مهم خوانده آنرامثبت ارزیابی کرده است .

دراین مذاکرات حکمت خلیل کرزی وحاجی دین محمد ازجانب حکومت افغانستان، ملاجلیل و ملا عباس ازطرف طالبان اشتراک دارند. وزارت خارجه پاکستان با نشرخبرنامه گفت نماینده های حکومت افغانستان وطالبان موافقه کرده اند که گفتگوهای صلح را ادامه دهند.درآن خبرنامه آمده: "شرکت کنندگان توافق کردندکه گفتگوها باهدف ایجادفضای مناسب برای جریان یافتن روندصلح وآشتی ادامه داشته باشد".

ریاست جمهوری نیزبا نشرخبرنامهٔ گفت حکومت افغانستان در مذاکرات صلح از موقف قویترصحبت خواهدکرد. درین خبرنامه آمده:"درمذاکرات مقدماتی صلح سه موضوع عمده ازجمله چگونگی تبدیل شدن این نشست به پروسه دوامدار، اعتماد سازی و تهیه فهرست موضوعات مهم شامل درآجندای مذاکرات صلح، بحث شده است".

اماشماری ازاعضای مجلس نمایندگان میگویندحکومت پاکستان برای آوردن صلح درافغانستان صادق نمیباشد.خلیل احمد شهیدزاده عضومجلس نمایندگان میگویداگر براستی پاکستان خواهان آوردن صلح به افغانستان است باید لانه های تروریستی را که در خاک آن کشورموقعیت دارد، ببندد تامردم افغانستان ازشرتروریسم رهایی یابند.

روندصلح دولت افغانستان در سال های گذشته فراز و نشیب های مختلفی راپیموده است. شورای عالی صلح و نمایندگان دولت افغانستان نشست هایی رابا نمایندگان رسمی و غیر رسمی طالبان در کشورهای قطر، امارات متحده عربی، عربستان، چین، ناروی و ترکیه برگزارکرده اند، که تا کنون نتیجهٔ به دنبال نداشته است .

یادداشت مدیر

ایفای عهد : انتشار هزارمین شمارهٔ امید

نحمده ونصلی علی رسوله الکریم، منت خدای را عزّ وجل، که این بندهٔ خاکسارش را توفیق نصیب ساخت، تا طبق وعدهٔ بیست وسه سال پیش با خوانندگان وعلاقمندان (هفته نامهٔ امید)، یکهزارمین شمارهٔ آنرا پیشکش هم میهنان عزیزم بنمایم . ازین بابت به همه دوستداران امید، همکاران ارجمند قلمی، به خانواده ام وخودم تبریک وتهنیت تقدیم میکنم .

درین سرآغازفصلی دیگر از انتشار امید، چند نکته را اندر باب خط مشی نشریه واستواری، وپایداری و ادامهٔ صادقانه درین راه، خدمت شما محترمان بیان بدارم : طوریکه درشروع بیست وچهارمین سال چاپ امید هم به عرض رسانیدم، این هفته نامه درست در روزی کار خودرا شروع کرد که حکومت دست نشاندهٔ شوروی درکابل به زیر کشیده شد، و مجاهدین راستین وجانباز واردپایتخت شدند. آن روز روزمبارکی بود، که بردشمنان استقلال، تمامیت، عزت وآرامی ملت بزرگ افغانستان، سخت گران آمد . حملات وحشیانهٔ پاکستان توسط گلبدین واظلامش برکابل آغازیافت، وهرروز وهرماه دهشت و جنایتش فزونی گرفت .

قلم مبارک همکاران مسلمان ووطندوست امید، ازنخستین شماره به جولان افتاد، ودر افشای دسایس وتوطئه ها ونابکاری های جنرال حمیدگل، دستگاه شیطانی آی اس آی وجنرالان پاکستانی، یکی بر دیگر پیشی گرفتند. اسناد (کابل باید بسوزد) جنرال اختر که به تایید ضیاءالحق رسیده بود، برای نخستین باردرهمین نشریه چاپ شد و بادلایل و براهین ثابته، مورد تحلیل وکنکاش قرارگرفت. گلبدین بحیث بُرنده ترین آلهٔ قتالهٔ پاکستان درافغانستان تشخیص شد، چهرهٔ مولوی جلال الدین حقانی وظلمه اش شناسانده شد، و کلاً گوشه گوشهٔ برنامه های ویرانگرآی اس آی وپاکستان، موشگافانه بررسی گردید، وهرشمارهٔ امید، ازین دست مطالب مستند ومتقن را خدمت هم میهنان ارائه کرد. از مظالم آخوندان ایران، دسایس سازمانهای نظامی وامنیتی رژیم خامنه یی، جنایات وخیانات رژیم سعودی، بی تفاوتی هراس آفرین غرب و دررأس ایالات متحدهٔ امریکا دربرابر قساوتها وویرانگری های پاکستان، توسط نویسندگان عزیزوگرامی هفته نامهٔ امید به کاوش وردیابی دلایل و اثرات خونبار اعمال همهٔ آن نابکاران گرفته شد وتدقیق وتحلیل گردیده، احیاناً راههای حل ممکن پیشنهاد شده است .

درآن سالها بودند تاریک اندیشان ومتعصبانی که بنام دین مبین اسلام و قومگرایی، ازمنابر مساجدافغانها درایالات مختلفهٔ امریکا تا یک مجله ویک رادیوها که درکالیفورنیا وورجینیا، ازافشاگریهای امید وپرده برداری ازچهره های خاین به ملت، سخت به تکاپوافتاده هرآنچه ازدنائت داشتند برسر امید خالی میکردند، وهمکاران این نشریه رابه شخصیت پرستی وضدپشتون بودن متهم مینمودند، این کارهای شان تاحد تکفیر وتعذیر (امیدیان) و تا تهدید به تجاوز به حریم وحرم مدیرامید پیش رفتند، مغازه های افغانی وهندی وایرانی رااز فروش امید برحذر میساختند، که البته هیچ یک ازین هزیان گویی وهرزه درایی شان کارگر نیفتاد، وامید همچنان درراه خود استقامت ورزیده وازکلیه نیروهای مقاومت ملی ورهبری وطنخواهانهٔ آن، شهید احمدشاه مسعود(رح) قهرمان ملی، وسایر محافل ملت گرا به نشرات ادامه داد .

بهرحال، امروز اکثرهمان اتهام زنان وهرزه گویان، تمام آن افشا گریهای امید را اززبان جنرالهای پاکستانی می شنوند، وبعضی از آنان، نادم از نابکاریهای آن سالهای خویش، به راه راست آمده، وبا گفتارونوشتار خود، مُهرتایید برمدعیات همکاران قلمی امید می نهند. درحالیکه به اندازهٔ سرمویی درخط مشی امید انحرافی ایجاد نگردیده است .

در درازنای زمانی که امید به هزارمین شماره اش رسید، البته مثل هر ذی حیات دیگر، برگردانندهٔ امید نیز روزهاوماههای خوب وبدی گذشت، پدر عزیزم از۱۹۹۸ درکالیفورنیا به حضرت حق پیوست، و من اضافه ازیک ماه و نیم، هرهفته از ورجینیا به کالیفورنیامیرفتم و در مراسم فاتحه داری حضوریافته، وباعجله برگشته وشمارهٔ تازه را سربراه میساختم. عین این اتفاق در۲۰۰۷ تکرار شدواین بارمادر عزیزم به رحمت حق پیوست، وآن ماجرای رفت وآمد تکرار گردید، اما در هیچ حال نشریه ازچاپ به موقع بازنماند، تااینکه دراواخر۲۰۱۳ خودم به مریضی شدید نمونیا دچارشده وبه کوما رفتم وبیش از بیست روزدر بسترشفاخانه افتادم، واین زمان برای نخستین بارهفته نامه ازنشر به موقع بازماند، و پس ازیک وماه نیم شمارهٔ تازه اش به نشررسید. اینک در دوماه اخیر، بنابر مریض داری ومشکلات عایده ازآن، متأسفانه نتوانسته ام تاهرشماره را سرموقع بدسترس مشترکین گرامی وخوانندگان عزیزبگذارم، که ازین بابت ازهمهٔ شان پوزش می طلبم، وامیدوارم این حالتم به پایان برسد، ودرآینده چنین دیرکردی نداشته باشم .

درشماره های پیشین اسمای مبارک عدهٔ کثیری ازهمکاران قلمی امید را یادآوری کردم، درشماره های بعدی نیز هرگاه میسر شد، از بقیهٔ همکاران عزیز نیز یادخواهم کرد .

اززمانی که این نشریه درکالیفورنیا وبعد درورجینیا ثبت رسمی شد، نامش دراسناد مالیات (هفته نامهٔ امید) درج گردید، واینکه درهفت سال اخیر بصورت دوهفته نامه انتشارمی یابد، تغییرنام درآن اسناد مستلزم مخارجی است، که لازم نمی بینم بربودجهٔ لاغر ونحیف امید تحمیل کنم، لذا اگر هنوز ازهفته نامهٔ امید یادمی شود، امیداست به دیدهٔ اغماض نگریسته شود .

ادامهٔ انتشارنشریه، همواره بر امدادهای سخاوتمندانهٔ خوانندگانش متکی بوده، وانشاءالله با یاری ها و دستگیری های مشترکین گرامی و خوانندگان عزیز بعدازین هم چاپ امید ادامه می یابد. این شما و این هم هزارمین شمارهٔ امید !

****

نظامی مثل پاکستان ومصر جنرالها قدرت نظامی، سیاسی واقتصادی رادر کنترول خودمیگیرند. این نظامی هادرکشور سرمایه گذاری می کنندواکثر کار های تجارتی عمده مثل ترانسپورت، مخابرات، واردات وصادرات مملکت بدست جنرالها میباشدکه از امتیازات خاص برخوردار میباشند.

مطلب مهم دیگری که به ارتباط فساد دراین کتاب به آن اشاره شده، همانا اهمیت تماس دولت ومردم عوام است. وقتی صدای مردم شنیده نشود، بین مردم ودولت فاصله ایجادمیشود. وقتی این فاصله بزرگ شود فساد در دولت بیشتر می گردد وبه نارضایتی مردم افزود می شود . (دنباله در صفحهٔ ششم)

داکتر احسان انتظار — مودستو- کالیفورنیا

(دزدان در دولت)

فساد اداری چیست؟ ماهیت فساد امروز از دیروزچه فرق دارد؟ فساد دریک جامعه برای مردم ودولت چه عواقبی رادرقبال دارد؟ رابطهٔ فساد بااسلامگرایی ودهشت افگنی چه میباشد؟ چراتاکنون هیچیک از دولتمردان فاسد درافغانستان محاکمه نشده اند، ودوسیه های جنایت، اختلاس و رشوه حفظ میشود؟ چرا جامعهٔ بین المللی با فساد درکشور مبارزه نمی کنند؟ پالیسی حکومت وحدت ملی اشرف غنی ازنگاه فساد، باحکومت کرزی چه فرق دارد ؟

داکتر احسان انتظار

کتابی اخیراً درامریکاتحت عنوان (دزدان در دولت) Thieves of Stateبه زبان انگلیسی در۲۶۲ صفحه بچاپ رسیده که به اکثراین سئوالات جواب میدهد. هدف من آنست تافشردهٔ یافته های سارا چیس Sarah Chayesمولف این کتاب راخدمت هموطنان تقدیم نمایم . به نظرمن این مولف اولین کسی میباشد که پدیدهٔ فساد را به طورعلمی مورد مطالعه قرارداده است. موصوفه برای چندین سال در افغانستان وظیفهٔ ژورنالیستی، کاردرموسسات غیردولتی و مشاوریت آیساف رابه عهده داشته است.

کتاب(دزدان در دولت) تاریخچهٔ فساد رادرغرب وشرق بررسی می کند، انواع واقسام فساد اداری را شرح میدهد واشکال مختلف آنرابه بررسی میگیرد، توجهٔ مقامات بین المللی رادرافغانستان به خطرفساد جلب میکندتا باآن مبارزه کند، وبالاخره ازبعضی دولتمردان فاسد افغانستان یادآوری می نماید. مولف کتاب میگوید که رابطهٔ مستقیم بین فساد وافراطگرایی مذهبی ازیک سو، ودهشت افگنی ازسوی دیگر، موجوداست. همان طوریکه دراسلام، سلفی ها مخالف شراب، رقص وجشنواره هامیباشند، کاتولیکها درمذهب عیسوی این طرز تلقی راداشتند ومخالفان خود را(بی ایمان) خطاب کرده برضدآنها قیام میکردند. همچنان درقرون وسطی کاتولیکها در رأس پاپ Popهمه عواید رادردست داشت، ازهمین لحاظ پروتستان هابرضد کاتولیک ها قیام کردند وبه استبداد مذهبی پایان بخشیدند.

افراطگرایی مذهبی نه تنها تهدیدی به مردم وحکومت دریک جامعه است، بلکه امنیت بین المللی رانیز به خطرمی اندازد. (بهارعربی) و سقوط رژیم های دزدسالاری Kleptocracyچون حسنی مبارک در مصر، زین العابدین بن علی در تونس و معمرقذافی درلیبیا شاهداین مدعا میباشند.

نویسندهٔ کتاب به انواع واقسام فساد درکشورها اشاره میکند. فساد دونوع است: یکی ازبالا به پایین و دیگر از پایین به بالا. فساد بالا به پایین درافغانستان سابقهٔ طولانی دارد، پادشاه اشخاصی به چوکی های دولتی مقررمیکرد که از امتیازات مالی واجتماعی بهره مند گردند، درمقابل، پادشاه توقع داشت که زیردستان دراستحکام و بقای رژیم بکوشند، اما حدود صلاحیتهای زیردستان مشخص بود. مثلاً آنهانمی توانستنداز بیت المال دزدی کنند وبه غصب زمینهای دولتی وشخصی بپردازند. درین رژیم هافساد اداری زیاد نبود، اگر رشوه ستانی صورت میگرفت به پیمانهٔ زیاد نبود، و بیشترتوسط خانوادهٔ شاهی انجام میشد. محاکمهٔ مجرمان به سویه های بالای دولتی صورت میگرفت .

اما فساد ازپایین به بالا که بعدازسقوط رژیم طالبی ورویکارآمدن حامدکرزی شروع شد، ازفساد عنعنوی افغانستان فرق دارد. درین دزدسالاری، زمامدار مثلاً حامدکرزی درمقابل پول اشخاص رابه چوکی ها میگمارد، درمقابل این پول، کرزی دوکار را انجام میداد: اول اجازهٔ بی قید وشرط دسترسی به منابع پولی برای مقاصدشخصی ودوم حفاظت کامل ازطرف دولت وتضمین ازخطر محاکمه شدن درصورت تخلف، بعبارت دیگرمامورین توسط دولت، مثل مافیا حمایت وپشتیبانی میشدند. دراین نوع نظام دزدسالاری همه شریک اند. افشاشدن یک دزد به افشاگری ودزدی دیگران می انجامد و نظام سقوط میکند. ازهمین لحاظ دوسیه های مثل کابل بانک وغیره جنایات دولتمردان حفظ میشود وبه محاکم کشیده نمی شوند .

نویسندهٔ کتاب همچنان دربارهٔ حکومت خوب وخراب صحبت می کند. در یک حکومت خوب عواید دولت به شکل مالیه Taxجمع و به خزانهٔ دولت می ریزد، سپس ازین پول دوباره درساخت زیربناها و خدمات ودفاع به مصرف می رسد. دولتمردان مسئول وجوابده مصارف میباشند. اینکار طورشفاف صورت میگیردتامردم بدانند که پولهای آنها چگونه مصرف میشود. امادریک حکومت خراب (فاسد)مثل افغانستان، یک قسمت عواید(گمرک، مالیات برعایدات) عوض اینکه درخزانهٔ دولت برود، دربانکهای خارج درحسابهای شخصی دولت مردان انداخته میشود. درافغانستان که منبع مهم وعمدهٔ عاید راکمکهای خارجی تشکیل میدهد، که درپروژه های زیربنایی و خدمات بایدمصرف شود، یک قسمت زیاد این پولها رادولتمردان حیف ومیل میکنند، پولهای دزدی شده به بانکهای خارج درحسابهای شخصی ریختانده میشود. به نظر نویسنده این پولهای ناپاک درزمان حکومت حسنی مبارک (مصر) به لندن و سویس، درزمان زین العابدین بن علی(تونس) به پاریس، ودر دورهٔ حکومت کرزی به دوبی و امارات ذخیره وسرمایه گذاری می شد .

علاوه برانواع نظامهای دزدسالاری، اشکال آنرانیز موردبحث قرارمی دهد. یک نوع ازین فساد به شکل بیروکراسی یااداری میباشد که در افغانستان، تونس و اوزبیکستان موجود بود. درین نوع دزدسالاری زمامدار، اعضای خانواده، اقارب وگماشتگان منابع عایداتی رادر کنترول میگیرندکه شامل قراردادهای دولتی وبین المللی جواز موبایل وانترنت وغیره میگردد. درتونس دختر وداماد بن علی، در افغانستان کرزی وبرادران وگماشتگان وی، معاونین ریاست جمهوری، وزرای دفاع، مالیه وداخله وغیره اند، که نویسنده اسمای دولتمردان فاسد را، به استثنای چندتن محدودبه معرفی نمی گیرد .

شکل دیگردزدسالاری همانانظامی شدن آن است. در دزدسالاری (ستون اول) نظامی مثل پاکستان ومصر جنرالها قدرت نظامی، سیاسی واقتصادی رادر کنترول خودمیگیرند. این نظامی هادرکشور سرمایه گذاری می کنندواکثر کار های تجارتی عمده مثل ترانسپورت، مخابرات، واردات وصادرات مملکت بدست جنرالها میباشدکه از امتیازات خاص برخوردار میباشند.

فرهاد میرزا — انندل - ورجینیا

بر غنی وعبدالله است که حکومت وحدت ملی را اسم با مسما بسازند وکشور شان را نجات بدهند

وقتی بنام این حکومت (وحدت ملی) می اندیشیم، باید اصلاً چنین میبود که دوتیم با سران شان ع وغ، که تا دیروزبرای احراز قدرت بجان هم افتاده وهمه مساعی شان براین بودتابرحریف شان پیروز شوند، قدرت رابدست آورند وبر کشورحکومت کنند، اما بنابرتقلبات گسترده درانتخابات واحتراز ازبروز بحرانی که ممکن کشور شانرا به جنگ وتباهی بکشاند، حاضرشدند باتقسیم قدرت مساوی، اساس حکومت وحدت ملی رابگذارند ومشترکاً ادارهٔ کشور رابدست بگیرندایجاب میکردبعدازامضای موافقتنامهٔ ایجاد چنین حکومتی همه مخاصمت ها ومخالفتهای شانرا کنارمیگذاشتند وبا اتخاذ یک پلان وخط مشی، یابگوییم یک پالیسی وسیاست خارجی وداخلی مشترک، شروع به کار میکردند.

امامتأسفانه وبسیار متأسفانه چنانکه شاهدیم، این دوتیم وسران شان ع وغ همانطوری که درمباحث امورحکومت با معاونین شان مثل دو مرغ جنگی به مقابل یکدیگر می نشینند، بدبختانه دراجرای همهٔ امور کشور نیزچنین عمل می کنند، واین سبب شده که ازشروع کار این حکومت تابحال نسبت عدم یک ماسترپلان وسیستم کاری واحدکه طرف قبول هردوطرف باشد، تصمیم درست واجرایی مفید وقابل تطبیق جهت بهبود اوضاع کشور درهیچ ساحه وزمینه ای صورت نگیرد. بلکه روزبروز افزایش تضادها ومخالفتها نه برای منافع ملی کشور، بلک جهت منافع شخصی، قومی وسمتی هردوطرف، اوضاع نابسامان کشور راوخیمتر ونارامتر ونا امنترساخته، زمینه رابرای بهره برداریهای سیاسی دشمنان افغانستان مساعدتر بسازد .

ازنظرخواهی هاییکه اخیراًصورت گرفته چنین مینمایدکه حکومت وحدت ملی دراثر مدیریتهای ضعیف شان درهمه امور، اعتمادمردم رابکلی از دست داده اند. مخالفتهای شدیدی که درتقسیم قدرت بین ایندو زعیم ازتقرر وزرا تا تعیین والیها، معینها، سفرا، قوماندانهای امنیتی وپلیس، رؤسای بلدیه ودیگر کرسیهای مستقل دولتی در دو رکن قضایی واجرایی دولت، این حکومت تا حال بشدت ادامه دارد، باعث عدم اجرا، تطبیق، تعمیل وپیشرفت اموردرهمه ساحات زندگی وحتی موجب رکود مطلق پلانها وپروژه های مهم دولتی و خصوصی شده، که ازآن به پیمانهٔ غیرقابل تصوری هم حکومت وهم مردم متضررشده اند.

البته درظاهر چنان وانمود میکنندکه گویی این مخالفتها روبه کاهش است ودرآیندهٔ بسیارنزدیک نظرهانزدیک وبه یک موافقت کلی میرسند، اما ازآنچه ازرسانه های خبری آزاد ومستقل انتشار میابد، بوضاحت دیده میشودکه این دو تیم ورهبران شان نظروعقاید سلیقوی بخصوص خودرا دارندوآسان نیست که به این زودیها باهم متحد شوند. مخصوصاً درشناخت، تعریف ومذاکره باطالبهفا وآی اس آی پاکستان، که حکومت بادرنظرداشت منافع ملی، استقلالیت و عزت وحرمت کشور چه دیدی داشته وبه چه روشی باآنهامذاکره ومعامله می کند، عقیده ونظرهردو بسیارازهم متفاوت است !

عبدالله وتیمش طالبهاراکه بیشترازپانزده سال است برای برآوردن اهداف سیاسی حکومت پاکستان مخصوصاً سران نظامی وآی اس آی به صدهاهزار مردم بیگناه ماراکشته وهنوزهم میکشد وکشورما رابه ویرانه تبدیل ومانع هر گونه بازسازی میشوند، دشمنان افغانستان میخوانند، درحالیکه غنی، تیمش ویک عده قوم گرایان افراطی این خاینین وقاتلین مردم مارا که برای اهداف سیاسی پاکستان، با ما می جنگند وازآغاز حکومت وحدت ملی حملات وکشتارهای این دد منشان ده چند درکشورما افزایش یافته، مخالفین سیاسی میخوانند !

فکرنمی کنم کسی درین کرهٔ خاکی کشوری راسراغ داشته باشدکه مخالفین سیاسی آن به کشورهمسایه پناه برده وبعد باتوپ وتفنگ و کمک آنهابه کشور خود حمله بکند، وبرای برآوردن اهداف سیاسی آن همسایه، مردم خودرا بکشد وکشورخود راویران کند .

عبدالله وتیمش وقاطبهٔ ملت افغانستان که بریقین کامل همه خواهان صلح وختم جنگ درکشورهستند، هرگونه مذاکرات باحکومت پاکستان و آی اس آی وسران نظامی پاکستان راکه مسئولین واقعی جنگ درکشورماهستند، شفاف و نمایان وبعداز مشوره باهمتای سیاسی(عبدالله) نمایندگان ملت وآگاهان سیاسی کشورجایزمیدانند.

درحالیکه غنی وتیمش همهٔ مذاکراتی راکه باحکومت پاکستان، آی اس آی وسران نظامی پاکستان، چه درکابل وچه دراسلام آباد، انجام داده اند، بدون مشوره باهمتای سیاسی او، عبدالله، نمایندگان ملت و آگاهان سیاسی کشور انجام داده، وآنچه خودگفته ووعده سپرده و آنچه پاکستان گفته وعده سپرده، همه را تا امروز ازمردم کشورش پنهان داشته است .

طوریکه دیدیم متأسفانه عبدالله ازآغاز کاراین حکومت تاحال بنابر ملایمت، یا جبن وکم جرئتی اش تقریباً به حاشیه رانده شده، و فیلسوف بزور هرچه دلش خواسته انجام داده است، که متأسفانه همه بخطابوده ویک قدم مثبت ومفید در بهبودکشورگذاشته نشده است .

خوشبختانه بالاخره عبدالله بعدازتحمل اینهمه یکه تازیها، خودخواهیها، تصمیم گیریها، مقرریها، برطرفیها، صدور فرمانها ونادیده گیریها خود توسط این فیلسوف بزور ومجنون الحال، باتقرر شکریه بارکزوی بحیث رئیس کمسیون آوردن اصلاحات درکمسیونهای انتخاباتی، بخود می آیدوازین خواب گران بیدارمیشود، بلکه انفلاق میکندو مانع اجرای این فرمان قومگرایانهٔ مغزگندیدهٔ جهان می شود .

بایدگفت که شکریه بارکزی یکی ازقومگرایان افراطی است که در لفافهٔ الفاظ وجملات بسیار زیباوملت گرایانه وبهی خواهانه اش، چنین وانمودمیکند که عاری ازهرگونه تعصب است، وهمه اقوام کشوررا به یک چشم میبیند، اما وقتی پای منفعت قومی درمیان باشد، اومثل داوودسلطان زوی، که بعدازتقلبات انتخاباتی وقتی گروه زیادی ازطرفداران عبدالله به مظاهرات پرداختند، همه را اوباش ومردمان بی سروپا خواند ! باورکنید اونیزدست کم ازین ندارد ! او (شکریه بارکزوی) دریکی ازمصاحبات تلویزیونی در طلوع نیوز، آوانیکه عبدالله وتیمش نسبت تقلبات گستردهٔ انتخاباتی، که برملای خاص وعام شد، اعتراضات ومظاهراتی رابراه انداخته بودند، باانکار مطلق (دنباله درصفحهٔ ششم)

افغان فونديشن تقديم مى كند :

داکتر عزیز غوثی : تاریخ افغانستان از۱۹۱۹ تا۱۹۳۳

با سرنوشت هفت پادشاه ما

برای خوانندگان امید : ۲۵ دالر (شامل هزینهٔ پست)

The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362
Telephone: 805 241 0780

Omaid Weekly
P.O. Box 30818 Alexandria, VA 22310
Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604
mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول : محمدقوی کوشان

عبدالودود ظفری — المیدا ـ کالیفورنیا

رزم جویان امریکایی در لباس آموزگار

گزارشی ازیوسف گلدستین و اعظم احمد به همکاری خالدالکوزی ازجلال آباد، فاروق جان منگل از خوست ونعمت الله کریاب از اسد آبادکنر، زیرعنوان (مبارزهٔ فراتر ازتعهد امریکا درافغانستان) در شمارهٔ ۳۰اپریل ۲۰۱۵ روزنامهٔ نیویارک تایمزبه نشررسیده است. گزارش پس ازیک تبصرهٔ کوتاه به فارسی برگردان وتقدیم میشود.

مردم افغانستان ازطریق نمایندگان خود درلویه جرگهٔ مشورتی به عقد موافقتنامهٔ امنیتی میان امریکا وافغانستان، به امید قطع جنگ، تحکیم امنیت و ثبات درافغانستان، رأی مثبت دادن وازحکومت آقای کرزی جداً تقاضا کردند که هرچه زودترآنرانهایی گرداند وطرف استفاده قراردهد. مردم فکر میکردند که باامضای موافقتنامهٔ امنیتی، همسایه های طماع بویژه پاکستان جرئت نمیکند درامورداخلی افغانستان بصورت صریح مداخله نماید وبه تسلیح وتجهیز قاتلان مردم افغانستان ادامه دهد. مردم آرزومندبودند حملات انتحاری، انفجاری گروگانگیری پایان می یابدوتهدیدها فروکش مینمایند، مردم آسوده وآرام می شوند ومملکت ما درراه ترقی اقتصادی، اجماعی وسیاسی وغیره روان میگردد. مردم امیدوار بودند که با امضای موافقتنامه، افغانستان به یک هم پیمان ویک پشتیبان قوی، مثل امریکا دست مییابد، اردوی افغانستان اکمال میشودوقوای هوایی دربرابر تجاوزات خارجی توان دفاع پیدا میکند.

حکومت وحدت ملی درهفتهٔ اول اعلان موجودیت خود، موافقتنامه راامضا کرد وتقاضای لویه جرگهٔ مشورتی رابجا آورد. موافقتنامهٔ امنیتی نه تنها امیدو آرزوهای مردم افغانستان را برآورده نساخت، اوضاع هرروز بدترشد، انتحاب و انفجاروبدامنی افزایش قابل ملاحظه پیدانمود، جنگ و جنجال ازساحات جنوب وشرق به ولایات شمال انتقال یافت، مصونیت شاهراهها به حداقل تنزل کرد، گروگانگیری مسافرات بیدفاع وبیگناه فزونی یافت، بسیاری ازپاسگاهها در ولایت جنوب وشمال به تصرف طالبان درآمدوشماری از سربازان در بدخشان، که ازحمایت مرکزبی نصیب مانده بودند، سر بریده شدند وسیل مهاجرین داخلی دربدخشان وقندز با ازدست دادن همه بود ونبودشان عملی گردید.

موافقتنامه که بایدحافظ منافع مشروع هردو کشورافغانستان وامریکا می بود، طرف بی اعتنایی امریکاقراردارد، زیراهیچ نوع واکنشی در برابرتجاوزات پیهم دشمنان افغانستان (طالبان) که کتراً بدستورآی اس آی پاکستان عمل میکنند، نشان نداده است وحمایت چندانی از اردوی افغانستان، بخصوص درتجهیزقوای هوایی قدم موثری برنداشت، برخلاف، وسایل وتجهیزات خودرا ازافغانستان به پاکستان بخشید ! بی توجهی مقامات امریکا سبب انزجارشدید مردم افغانستان شده صداها واعتراضات علیه موافقتنامهٔ امنیتی ازهرطرف بلندشد. مردم زیادی ازاقشارمختلف باناراضایتی بیان داشتند که درصورتیکه امریکادرحالات خطرناک براساس موافقتنامه ازافغانستان حمایت نمی نماید، آن موافقتنامهٔ امنیتی چه معنایی داشته میتواند، نبود آن بهتر از بودآن میباشد. شماری ازنمایندگان ملت و سناتوران افغانستان موافقتنامه را فقط وفقط به نفع امریکا برای حضور دوامدارش در افغانستان، بخاطرکنترول منطقه تلقی کردند وبرخلاف آن شعار دادند. بعضی از نماینده ها به تعدیل وبرخی دیگربه لغو آن ازجانب حکومت افغانستان پافشاری نمودند.

شاید امریکابه اهداف خوددرافغانستان دست یافته باشد، وپایگاههای که درنظرداشت بدست آورده باشد، ولی مردم افغانستان کماکان در فقر وعسرت دست وپامیزنند. وجودقوای امریکادرافغانستان وسرا زیرساختن ملیاردها دالر، یک اقلیت خیلی ممتاز ثروتمند ایجادکرد که ازراه دزدی، چپاول وقاچاق، قدرت اقتصادی وحکومتی رابه دست گرفتندوهرچیز رامطابق به امیال خود تغییردادند.

وجودامریکا درافغانستان، فاصله میان اقلیت دارای همه چیز و اکثریت مطلق بی همه چیز را بسیارعمیق ساخت. ثروتمندان باقدرت اقتصادی بادآورده، قیم کالا، خدمات، مواد خوراکه، زمین، کرایهٔ خانه رابصورت غیرعادی بالا بردند، وازدسترس مردم عادی خارج ساختند وآنهارا از داشتن حتا نان خشک محروم نمودند. اینک برگردان فارسی گزارش خدمت تقدیم می گردد :

* * * * *

ماه هاپس ازاعلان رسمی رئیس جمهورامریکا که جنگ درازمدت علیه طالبان درافغانستان پایان یافته است، نظامیان امریکابنام مربی، آموزگار ومشاور بصورت منظم به حملات هوایی بضدباغیان پرداخته و قوای خاص عملیاتی را به افغانستان اعزام داشته است. مقامات امریکا درتوجیهٔ حضور دوامدارنظامیان امریکا درافغانستان، باتاکید بیان میدارند که نقش قوای امریکا به مقابله بادهشت افگنی و تروریسم تنزیل داده شده وآن تعقیب وشکار بقایای شبکهٔ القاعده و دیگر گروههای دهشت افگن بین المللی، آموزش ومشورت به قوای امنیتی افغانستان، که بارسنگین جنگ رابدوش میکشند، میباشد. درظاهرمقامات مذکور اصرارمیورزند که طالبان هدف قرارداده نمیشوند تاوقتیکه قوای امریکا مورد تهدید حتمی وفوری قرارنگیرند، ولی مصاحبه هابا مامورین امریکایی در کابل وواشنگتن نشان میدهد که امریکا درماههای اخیر بصورت تهاجمی به عملیات نظامی بضدطالبان که دربرابراردوی افغانستان پیشروی داشته انددست زده است.

امریکابجای آنکه جنگ را درافغانستان پایان دهد، نوع مبارزهٔ خود راتغییرداده است، وبه حملات هوایی طیارات درون وعملیات قوای خاص خود روآورده است. این تغییرمبارزه برخلاف آنچه قصرسفید اعلان کرده، می باشد. غربی هوامامورین گفته اند که امریکاوقوت های ناتو ۵۲حملهٔ هوایی رادرماه مارچ، ماههاپس ازپایان رسمی جنگ انجام داده اند. بسیاری ازآن حملات نتیجه داده ودرسه ماه اول امسال(۲۰۱۵)، ۱۲۸قوماندان پایان رتبه ومیان رتبهٔ طالبان رادر روستاهای دورافغانستان هدف قرارگرفته اند. دراوایل ماه جنوری، زمانیکه مامورین امریکادر واشنگتن ازختم جنگ استقبال میکردند، درحدود چهل نفر امریکایی مربوط به قوای خاص عملیاتی درولایت کنر اجرای وظیفه میکردند واردوی افغانستان راکه باطالبان درجنگ بودند، مشوره می دادند.

دو کارمندنظامی غربی دربرابر وعدهٔ که نامهای شان افشانمیشود، گفتند در حالیکه قوای زمینی ائتلاف درموضع خودقرارداشتند، فرماندهی شان از امریکایی ها تقاضاکرد که بخاطرحفاظت قوای شان، به حملات هوایی اقدام نمایند. جزئیات حملات هوایی مذکور برملا نشد ودرپردهٔ ابهام باقی ماند. یکی ازآنها اظهارکرد: (آنها سربازان خود رادر محلاتی تعبیه میکنندتا اجرای حملات هوایی توجیه شده بتواند. حملات هوایی به منظور حفاظت قوای زمینی توجیه پذیربوده نمی تواند، زیرا خود قوا درحالت تعرض وتهاجم می باشند.)

درتبصره برادامهٔ عملیات نظامی علیه طالبان، فرمانده نظامی امریکا در افغانستان، جنرال کمبل شدیداً این اتهام رابه خود ردکرد که وی سربازان رابه خطر می اندازدتاحملات هوایی بیشتررا ممکن سازد. جنرال کمبل باتأکید بیان داشت که اوزمانی طالبان راهدف قرارمی دهد که قوای امریکا، ناتو و سربازان امنیتی افغانستان راتهدیدبدارند اوافزود که اهدافش درمیدان جنگ بسیار روشن میباشد، حتا اگرموقف واشنگتن درآن باره ها بخوبی واضح نباشد. جنرال گفت: (واشنگتن دردیدار باحضارمختلف از روی مصلحت (سیاستاً) چیزهای متفاوت می گوید. من به آن مشکلی ندارم، من از صلاحیت (دنباله در صفحهٔ ششم)

داکتر غلام محمد دستگیر — برومفیلد ـ کولورادو

چطور امکان دارد؟؟؟

روزدوشنبه پنجم ماه مبارک رمضان سال ۱۴۳۶مطابق اول سرطان ۱۳۹۴ و بیست ودوم ۲۰۱۵ یکی از روزهای بی نهایت تاثرآور و غم انگیز در کابل عزیز ما بود. در حوالی ساعت ۱۰:۳۰ صبح آنروز یکعده جاسوسان آی اس آی پاکستان , دشمن مردم افغانستان, به امربلال نام افسراین موسسهٔ استخباراتی ازطریق بی ایمانان گروه حقانی وزیرستانی برخانهٔ ملت ما حمله بردند. این در حالی بود که شورا بریاست محترم ابراهیمی برای رایگیری رای اعتماد کاندید وزیر دفاع ملی افغانستان آمادگی میگرفتند که صدای مهیبی همراه با ویرانی سقف شورا و گردو خاک جلسه را برهم زد, رئیس شورا میخواست وکلا را با امکانیت اشارتی یرق ازشر خوف و هراس برهاند اما سراسیمگی تا حدی بود که هروکیل محترم و محترمه سعی میورزیدند تا هرچه زودتر از صحنه بدون جرحه بدر آیند.

قسمیکه مطلع هستید,موتری مملو ازمواد انفجاریه و دریوری یک انتحاری, دیوار مستحکم احاطهٔ شورا را منفجر ساخت و زمینهٔ ورود شش نفرمتهاجم دوزخ مکان را به صحن شورا و از آنجا بداخل تالار جهت قتل وکلای مردم افغانستان, میسر ساخت. بلا درنگ شش نفرپیاده داخل صحنه میشوند اما غافل ازینکه شیرغرانی چون فرزند صادق و جانفدای اردوی افغانستان محترم عیسی خان لغمانی در کمین بود و هرمرمی که برایش داده شده بود نثارهریک از دشمنان دین ودنیای وطن خود نموده و قرارگفتهٔ خود عیسی خان هرکدام شان را تَق چپه, تَق چپه, تَق چپه....نمود وبه اسفل السافلین رهنمون ساخت. اگراین مرد شجیع و وظیفه شناس مدبرانه و هوشیارانه این عمل را اجرا نمیکرد خدا میداند که چقدربه تالار صدمه وارد میشد ودهها نفرجام شهادت مینوشید. من براین وطندارقهرمان خود افتخار دارم. امید عملش درسی برای پاکستانیهای عهد شکن, دروغگو و خدعه کارباشد که هرقدم شان به مقابل مردم افغانستان جز بضدتعلیمات قرآنی وسنت محمدی (ص) چیزدیگرنبوده سرخجلت فرو بیاورند و ازین اعمال نا شایستهٔ خود بمقابل یک مسلمان مخصوصاً درماه مبارک رمضان دست بردار شوند. اما این امکان ندارد زیراکه متصدیان امور آی اس آی همه انگریزان و یا انگریز صفتانی اند که به اخلاق بدتهاجمی وحمله برهمسایهٔ خودبیشترمعتقدند ولی ازجانب دیگراز اسلام به نفع خود سوء استفاده نموده این دین صلحدوست و خیرخواه بشریت را بد نام میسازد تا ماستران شان خوشنود گردند. درعین زمان, متأسفانه, یکتعداد ملاهای انگریزی شان هم درین زمینه فوق العاده فعال اند.

نکتهٔ مهم درینجاست که با یک امنیت فوق العاده در دورادور شورا چطور امکان داشت؟ که یک موتر مملو با مواد انفجاریه با هفت نفر و سلاح ثقیله و غذا به درب تالار برسد وعمل زشت مذبوحانه و قبیح خودرا پیاده سازد. بفکر من جواب اینست که درپهلوی قهرمانان وطندوست و فدائی خود خاینین وطن فروشی داریم که با آن دستگاه جاسوسی همکاری دارند. اینها بدانند که علاوه براینکه غلام غلام غلامان اند نفرین همه جامعهٔ افغانی در پی شان بوده آن پول و یا مقامی را که به کمک آی اس آی نصیب شده اند موقتی بوده بزودی فرزندان صادق وطن که هزارن شان چون عیسی خان لغمانی در کمین اند درهر مقام و منزلتی که این خائنین باشند آنها را به کیفر اعمال شان خواهد رسانید.

قوای امنیتی از تجاریی که داشتند آماده بودند و این موفقیت را برای هریک شان تبریک میگویم. آنکس یاکسانیکه بااین انتحاریون رهنما بودند وهمکاری کرده اند سر به چاک گریبان خود فرو برده فکر نمایند که ایا اعمال آنها بهتر بود یا ازعیسی خان لغمانی . عیسی خان از هرسوشادباشها و آفرینها میشنود و نوازش میشود واجر دارین نصیب میگردد؛ بر شیری پاک مادرش که اورا برای این روز تربیه نموده بود و امروز ثمر آنرا تجربه کرد درودو تهنیت می فرستند و وی با سربلند و افتخار دربین مردم خود سرفراز با پاداش های متعدد قدم برمیدارد و اما آن خاین یا خاینین و مادران شان که چنین فرزندان خاین تربیه نموئده اند دعا ها ونفرینها روح و جسم شان را بلرزه میآورد.

انچه بیشترمتأثرکننده بوداینست که معلوم شدمتصدیان اموراداری و بهداشتی وکلا با وجود شرایط نا مناسب تروریستی بازهم یک پلان منسجم و منظم تخلیهٔ محل حمله نداشتند. زیراهرکس به هر سویی تلفون بدست روان بودند. شورا وهمه دوایر دولتی وشخصی بشمول دانشگاه ها و شفاخانها باید در این قسمت پروگرامهای تمرین یا Drillداشته برای مامورین و منسوبین خود بصورت منظم ازین نوع تمرینها را درمحل کار و دفاتر شان میسرساخته دربهای خروجی رابه محل اجتماع هرسکشن یا قسمت باز ساخته ودرصورت ضرورت با زنگهای خطر و یا اعلان از طریق لودسپیکر به محلات محفوظ که قبلاً به آن بلد ساخته شده اند رهنمائی شوند .

حمله برشورای ملی یا ولسی جرگه حمله بر همه خانهای مردم افغانستان است. آی اس آی پاکستان با این اعمال بیشمرمانهٔ خود از حد خود تجاوز کرد. هر مملکت جهان درمقابل چنین حمله بیرحمانه که کمتر ازحملهٔ روز یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱بر امریکا برای ما نبود حق دارد ازمملکت ومردم خود دفاع نموده به مسؤولین چنین حمله هرمملکتی که باشد وهرقوتی که داشته باشد جواب دندان شکن بدهد. متأسفانه ارگ افغانستان محل سکونت یکتعداد کسانی اند که به رئیس جمهور یا مشورهٔ صحیح وطندوستانه نمیدهند و یا اینکه رئیس جمهورخود را به کوچهٔ حسن چپ زده به وعده های پاکستانی های دروغگو و مکاریبشتراهمیت قایل میشود نظربه مشورهٔ مشاورین وطندوست. ببینید بمجردی که باز پلان تروریستی پاکستان درحمله برتالار شورای ما ناکام شد سر تاج عزیز اعلان میکند که در ظرف یکهفته ملاقات رسمی با طالبها شروع میشودو ارگ کبیر نمیداند که این انگریز بچه به اصطلاح (پرشما را خواب میدهد) وفقط می خواهدشما و مردم ما را ازذکر و فکر این اعمال شوم شان در پارلمان افغانستان به کنار ببرند. سه روز بعد ارین وعده, بروز شانزدهم جون سال ۲۰۱۵ضمن پخش اخبار شامگاه شبمهٔ تلویزیونی جهانی آریانا شنیدم که سرتاج عزیز گفته (مقصد گفتارش است),[در ظرف چند هفتهٔ آینده پاکستان دربارهٔ طالبها با افغانستان همکاری میکند]. یااین دروغگو حافظه ندارد یااینکه به آیهٔ کریمهٔ (والموفون بعهدهم اذا عاهدو) ایمان ندارد. همچنین, (هشت صبح) روزشنبه ۲۹حمل ۱۳۹۴ مطابق ۱۸ اپریل ۲۰۱۵ مصاحبهٔ جنرال اسد درانی رئیس سابق آی اس آی را با آقای مهدی جسن خبرنگار الجزیره که در تالار دانشگاه آکسفورد ثبت شده است ترجمه نموده نشرکرده و در آن مصاحبه جنرال اسد گفت :(اخلاق یک بحث فردیست اما درهنرحکومتداری اهمیتی ندارد.....رسیدن بهدف مهم است اخلاق مهم نیست.... اینطور هم نیست که یکطرف بازی بخاطر مسایل اخلاقی پای خود را از معرکه بیرون کند. وعلاوه نمودکه : اگر شما کسی مثل اسامه بن لادن رادراختیاردارید بهیچ صورت اورا به سادگی تحویل کسی نمیدهید.منظور من از معادل مناسب برای اسامه این بود که به امریکا بگویم که ما اورا در اختیار داریم و میتوانیم تحویل شما دهیم, اما در بدل باید توفق کنیم که چگونه میتوانیم مسألهٔ افغانستان را حل کنیم یعنی اسامه را به منظور معامله بر سر افغانستان پناه دادبودند...پس چگونه با چنین مفکورهٔ بد اخلاقی و سیاسمداران دروغگو و عهد شکن ومعاملات پاکستان با امریکا اعتماد کرد. دولت و حکومت افغانستان باید پالیسی برادرانه و اخلاقی خود را به چنین بد منشان پایان داده برای رفاه

عبدالخالق بقایی پامیرزاد — سویدن

افغانستان درحالت غروب بی برگشت

غنی احمدزی وحامد کرزی ازسالها بدینسو، بااهداف مرموز، مغلق و پیچیدهٔ درازمدت بادارهای بی مروت غربی شان، درسرزمین آفتاب تخم کین کاشتند، شخصیت های سیاسی، جهادی ومغزهای متفکر راکشتند یا فراردادند.

آریانای کبیر باتمام خوبی هاوزیبایی ها ومیراثهای قیمتدارش برای بشریت، ازبیخ وبن نابودگشت، خراسانیان نیز درین تندبادهای کشنده که ازجنوب بر کشور ماتاخت، ارزشهای جهانشمول قلب آسیا راعوض کردند، جای مردمان پاک سرشت ووطندوست وخدا شناس را، سیاهکاران تاریخ اشغال کردند. در این بازیهای ازپیش پلان شده، معنویات واخلاقیات مردم ما سخت صدمه دیده، احساس و غرورملی موردسئوال قرارگرفته، ارگ نشینان ازرأس هرم تاقاعده درخدمت پاکستان تلاش می دارند.

مسافرتهای غنی احمدزی نتیجهٔ مطلوب بارنیاورده، اینک که سالها ازین کشمکشهای خونین میگذردوکشورما ملیونها انسان مستعدرا ازدست داده، رئیس جمهوردرهمان موقعیت اولین خود قراردارد ویک وجب هم به پیش حرکت نکرده است. احمدزی و کرزی امروزهم باهم دوست اند وهم بمنظور جابجایی مخالفان در تمام نقاط مهم کشور ازایشان دفاع میکنند، وسعی شان بر آنست تا پای کثیف دهشت افگنان به تمام شاهرگ های این سرزمین ازشمال تا جنوب تسلط پیدا نماید. جنگ، ویرانی وآدمکشی به شمال کشور رخنه کرده واتحادیه های (دفاع خودی) که مرکزآن درشهر مزار شریف است، عرض وجودنموده است. منابع خبری ملی وبین المللی افشاکرده اند مخالفینی که درمیدان جنگ مجروح وزخمی میشوند درشفاخانه های دولتی تداوی میگردند !

بعدازحملات تروریستان به مقر شورای ملی افغانستان، اوضاع کشور بحالت بحرانی درآمده، سه گانگی را بین پلیس، امنیت ملی ودفاع ملی نشان مدهد. حرکتهای دفاعی دربدخشان، فاریاب، تخار، هیرمند وده ها نقطهٔ دیگرکشور، از طرف دولت سد شده، تلاش برای آشتی ادامه دارد . این بدان معنی است که بالای خون هزاران شهید اعم از ملکی ونظامی پاگذاشته میشود. دولت از اساس برای دفاع مردم اقدام نمی کند. وقتیکه مخالفان شهرک هایی را اشغال مینمایند، بعداً قوای مسلمح کشور درصدد دفاع می برآید. درین حالت شهرک هادست بدست میگردد ومردم ازخانه وکاشانهٔ شان فرارمی کنند، وچیزی برای زیستن برای شان باقی نمی ماند. درشرایطی که افغانستان قراردارد، آبادی شهرهای سرحدی افغانستان تاصدسال دیگر مقدور نمی باشد.

اکثرولایات کشور درچهارده سال اخیر مورد فراموشی کرزی و احمدزی قرارگرفته اند. تمیم نورستانی والی پیشین نورستان گفت درنورستان یک بلست سرک ساخته نشده و ولسوالی هاچندین بار دست بدست گشته، فعلا شهرکهای عمده درتصرف طالبان پاکستانی میباشند. درولایت نیمروز حامدکرزی شش سال قبل سفری انجام داد وتمام وعده هایش برای بهروزی مردم آن ولا ناتمام ماند ونیمروز راترک گفت. تلویزیون طلوع تصاویر وحشتناکی رااز کودکان، زنان، مردان و پیران کهنسال به نمایش گذاشت، همه از آثار جنگ، فقر و بدبختی وسیاهروزی ونبود دولت گفتگو کردند. آب آشامیدنی مردم ازچاههای غیرصحی وآبهای ایستاده وکثیف به دست می آید، مردم به امراض گوناگون مبتلاشده اند، فریاد وکلای ولایت نیمروز درشورای ملی به گوش ارگ نشینان نمیرسد یا اینکه اثری ندارد . مردم پامیر بدخشان درمغاره ها وویرانه های قدیمی بسرمیبرند، مکتب، برق، جاده ودیگر مزایای تمدن برای مردم سراب گشته است !

غنی احمدزی وحامدکرزی اینک ازلشکرپاکستان، امریکا وعربستان سعودی درافغانستان پاسداری میکنند تاآیندهٔ شان ازخطرات گوناگون بعدی مصون بماند. سرزمین ما آیندهٔ تاریک دارد، بیست سال بعدمرکز تروریستهای جهان بهبری پاکستان، انگلیس، امریکا و اسراییل خواهدبود. از موجودیت چنین کشوری اشغال شده وبی عزت، نبودش بهتر است !

وظیفهٔ مردم : مردم شجاع افغانستان ! اعم ازپشتونهای غیرتمند که افغانستان رابرای افغانستان میخواهید، هزاره ها، اوزبیک ها، تاجیکان وملیت های شجاع ومحروم که بیشترین تلفات را شمادرطول تاریخ داده اید واکنون هم روزانه بالاتر ازسه صدنفر درسرزمین آبایی تان بدست پاکستان جان می بازند، لطفاً به پاخیزید وازطریق مبارزات متمدنانه و متحدانه علیه دولت فعلی بسیج شوید وباانتخابات آزاد و مشروع، یک دولت باعزت وپایدار را جاگزین دولت فعلی بسازید. غنی احمدزی وحامدکرزی راکه کشور ما رابرای بیگانه هامیخواهند از ارگ برانید، درغیرآن، شما بزودی ازکشورتان رانده خواهیدشد وخانه وباغات شما برای تروریستان بین المللی بخشش خواهدگردید.

ملل متحد وامریکا وشرکاء میتوانند فوراً آتش بس ومذاکره بین دولت و طالبان وپاکستان راآغاز نمایند، ولی حیثیت تماشاچی را به خود گرفته اند و خون افغانها به قیمت کاه ماش بی ارزش شده است !

اوضاع غم بارافغانستان وشرایط دیارغربت وسراشیبی عمر ناپایدار مرا واداشت به یک پارچه شعرجذاب وبی بدیل اززنده یاد نادرپور شاعرشهیرحوزهٔ تمدنی فارسی زبانان منطقه وجهان پناه ببرم. شمارا نیزبه مطالعهٔ آن دعوت می دارم :

جهانا ! فسون تو هم بی اثرشد نگیرد مرا جذبهٔ مهر وماهت
نه آن زعفرانی فروغ غروبت نه آن لعل گون پرتوصبحگاهت
جهانا ! ملال از دو دارم ملالی که آغاز وپایان ندارد
ملالی که سامان نگیرد ملالی که درمان ندارد
توزین پیش زیباترازحال بودی دریغا که امروز دیگرنه آنی
مرا پیر کردی وخود پیر گشتی جهانا ! توقدر جوانی چه دانی !
مرا روزها مرد و امید هامرد ترا آسمان ها نوید سفرداد
همه گشتی وگشتی وبازگشتی سپس آسمانت فریب دگر داد
من اینک نه آنم که بودم تو اینک نه آنی که بودی
تو بارنج خود کاستی ازنشاطم براندوه بی انتهایم، برعذابم فزودی
جهانا ! ملال از تو دارم ملالی که پایان ندارد
ملالی که سامان نگیرد ملالی که درمان ندارد

(تهران۱۷سنبله۱۳۲۳ خورشیدی)

به دشمنان صلح

آتش مفگن به کوه و دشت وطنم پژمرده مکن سبزهٔ وباز چمنم
ای دشمن صلح و زندگـــی مدنی بازی منما به سرنوشت وطنم

(اکادمسین دستگیر پنجشیری)

***

پروفیسرداکتر عبدالواسع لطیفی الکسندریه ـ ورجینیا

صفحاتی ازیک زندگی پرنشیب و فراز

در وصلت وطن و در غربت هجرت (بخش ۲)

ای چنگ گسسته نغمه کن ساز باروح شکسته شو هم آواز
ای روح بخوان تـــــرانهٔ غم وی چنگ نوای درد بنواز

بهرحال، درین جریان سوختن خانهٔ ما، شعله های آتش وصدای مهیب افتادن یک دیوار وسوختن دروازه هاو کلکین ها، لحظه به لحظه وحشتناکتر میشد ودر همان گیرودار یادم از مرد دوره گرد و افسانه سرایی آمدکه بنام (سادو) گـاه گاهی برای طلب صدقه به عقب درب حویلی مامی آمدو کتاب مصوری رابنام قصه های (جنت ودوزخ) روبروی ما میکشود وبانشان دادن تصاویر خیالی شعله های آتش دوزخ برای سوختاندن گنهکاران، داستان ترسناکی رانیزبه آن ضمیمه میساخت... من خیال کردم حادثهٔ ناگهانی آن شب، نشانهٔ از همان دوزخ افسانوی است که مرد دوره گرد توضیح وهوشدارمیداد، لهذا برای نجات ازچنین بلیـهٔ بزرگ، هرچه دعاو نیایش ازمادرم در هنگام مصیبت هاآموخته بودم، زیرلـب تکرارمیکردم وخداوندرابه کمک میطلبیدم. همه اعضای فامیل با دادوفـریـاد، سرآسیمه بهرسو می دویدند، پدرم وسایرمردان، ازهمسایه هاکمک خواستـه سطلهای آب راروی آتش میریختند ویکنفرهم موظف شدتامامورین اطفاییه را ازحادثه اطلاع دهد...

این حریق مدهش ازسراچهٔ منزل ماکه زن نانوای باتنور نان پزی و ذخیـرهٔ هیزم خود با(پشتاره های خار) درآن بودوباش داشت، منشأ گرفته ودراتاق های مجاور سرایت کرده بود... آن شب دیدم که وقتی مصیبت بزرگ رخ بدهـد، انسانهای بااحساس وهمسایگان عزیز واقارب برای رهایی ونجات ازیک بلا و مصیبت ناگهانی، به کمک و معاونت وفداکاری های حیرت انگیزی مبـادرت میورزند، همسایگان ما ازچهارجهت برای کمک وکشیدن لوازم اتاق هابه صحن حویلی وآوردن سطلهای آب، باعجله وسرعت تمام صرف مساعی میکردند و درخاموش ساختن آتش خانمانسوزازهیچ معاونتی دریغ نمی نـمـودنـد یـادآن عطوفت های انسانی وغمشریکی هاوتعاون وفداکاریها بخیر !

شایددرهمین لحظه همه ازخود بپرسیم که آیا درطول شبهاوروزهای مصیبت باری که خانهٔ مشترک وطن دستخوش جنگهای مدهش و دهشت افگنیـهـا و طعمهٔ آتشسوزی های بزرگ پی درپی میگردد، هموطنان وهمسایگان ومـردم دور وپیشی که شعله های خانه برانداز آنرا مشاهده ونظاره میکنند، بالاخیر روزی برای خاموش ساختن چنین حریق همه گیر، دست کمک وتعاون بهم خواهند داد وعطوفت انسانی شان برخصومتها غلبه خواهدکرد؟ وآیا به عمق تاریـک دیگر این فاجعه متوجه شده ایم که دوام بی پایان این جنگها ودهشت افگنیـهـا وآتشسوزیها وراکت اندازیها وانفجارات ناگهانی، چه ضربـه هـای دردنـاک روحی وعقده های مداوم دروجود کودکانی که نسل فرارا میـسـازنـد، بـجـا گذاشته است ؟

من که پس ازگذشت هشتادسال هنوزهم آن حریق نیمه شب خانهٔ مـحـقـر اندرابی را بافریادهای مادرم بخاطردارم ویادبود آن افسرده ام میـسـازد، حـالا کودکان معصوم وطن ازجریان جنگهاوخانه سوزیها چه خاطره های ترسنـاک وعقده های غامض واسف انگیزی خواهند داشت؟ میتوان به سادگـی عـمـق فاجعه را دریافت .

راستی حسب یک تصادف دردناک، همین لحظه که این سطـوررا (در ۳۰ جون ۲۰۱۵) مینویسم، ناگهان درصفحهٔ تلویزیون یکی از رسانه های خـبـری داخل افغانستان، صحنهٔ مهیب ودلخراشی رامشاهده میکنم که درشهرپرازدحـام کابل یک انفجار وحشت انگیزوخانه برانداز عاملین انتحاری بوقوع رسیـده و علاوه بر ویرانی وآتشسوزی، چندین تن راکشته وچندین تن راشدیداً زخمـی کرده است. درهمین گیرودار گریه وفریاد زن پریشان حالی به نظرمیرسدکـه شوهرش، یا پدرنان آوریک خانوادهٔ هفت نفری، قربانی بی نام ونشـان ایـن حادثهٔ فجیع گردیده است.. متعاقباً مردشوربختی دریک خانهٔ هـمـجـوار بـه خبرنگار میگویدکه یکی ازکودکانش دراثرشنیدن ناگهانی انفجارمـهـیـب و ترسناک آنروز به ضربهٔ یا (شاک) روحی وحمله قلبی سردچار شد...

بهرحال، این صحنهٔ مدهش وپرماجرا به صحنه های فلمی جنگ دوم شباهت داشت که سینماگران روی پرده آورده اند، و زدوخوردها، بمبارانها وویرانیهایی راتمثیل کرده اندکه در رویارویی ابرقدرتهای متخاصم بوقوع میرسد، ویگـان گنهکار وهزاران بیگناه به خاک و خون کشانیده میشوند وصدای دادخـواهـی قربانیان ومظلومان وتباه شدگان بگوش کس نمیرسد. کسانی مجروح ودرمانده روی جاده ها می افتند، کسانی باآخرین قدرت ازصحنه فرارمیکنند، کسـانـی زیر دیوارها ومنازل ویران جان میدهند، ولی غرش بمب افگنها وفیر توپـهـای ثقیله ودستبرد انسان به انسان ادامه می یابد... !

درهمین نظارهٔ حسرتبارصحنه های تکان دهندهٔ انفجار وحملـهٔ دژخـیـمـان انتحاری، یادم میآیدازیک پارچه نوشته ام که مدتهاقبل در ترسیم حمله وتجاوز بدکاران وآدمکشان برکلبهٔ یک مادر ستمدیده، بیوه زن یتیمدار به قلم آوردم و در همین تازگی درسایت انترنتی بانو ماریا دارو غبار وماهنامهٔ پیغام نیزبـه نشـر رسید، همچنان دریک پروگرام بخش فارسی صدای امریکابرای شـنـونـدگـان ارائه گردید. متن آن نوشتهٔ انعکاس دهندهٔ غمهای بی پایان یک ملت باشهامت و مصیبت دیده چنین است: ندای بیوهٔ زن یتیمدار دژخیم تفنگدار:

ننگ برتو بُهرکشتن بیوه زنان آمده ای ؟
شرم کن زنام اسلامُ غارتگر ایمان آمده ای !
وای برتو! فرمانبر بیگانگان آمده ای !
برو ُتفنگ آدم کشان را زسینه من دور کن
دست بردار از کشتنم ُترک این عمل منفور کن!
بشنو ناله پر سوز وگریه فرزندان مرا
صدای شکست دل رنجور یتیمان مرا ..

******

تو خانه وکاشانه و مزرعه ما را بسوختی
آتش کین و وحشت در همه جا افروختی
بنگر که کودکانم افسرده و بینوایند امروز
بیمار وبرهنه وبی دوایند امروز
بنگر که ما آب خوردن و لقمه نان نداریم
دادرسی در این کلبهٔ جز خالق کون ومکان نداریم
برو از کشتن تن رنجور من دست بگیر
جز کودکانم دراین خانه هر آنچه هست بگیر !
برو به پاس شام غریبان و وقت آذان محمدی
به پاس این رکن اسلام و اصل ایمان محمدی .

******

لیک بی اثر بود ناله و آه بیوه زن یتیم دار ،
در دل سنگ و وجدان خوابیده ء دژخیم تفنگدار ،
یکبار صدای شلیک تفنگ ودود باروت وهلهله بر هوا شد(دنباله درص ۷)

دست ریاست جمهوری در ناامنی های بدخشان !

۲۷جون/کابل ـ افغان پیپر: بیش ازیکماه است که جنگها و ناامنی ها در ولایت کوهستانی بدخشان گسترش یافته است. در جنگی در دره خوستک ولایت بدخشان تلفات سنگینی بر نیروهای مسلح دولتی نیز وارد آمد و اکنون بیش از یک هفته است که ولسوالی یمگان در دست طالبان قرار دارد.

آقای عبدالمنان شیوا شرق نویسنده وپژوهشگر، میگوید: اسناد و مـدارکـی وجود دارندکه شخص رئیس جمهور افغانستان آقای داکتر اشرف غنی احمـد زی درعقب ناامنیها وجنگهای اخیر ولایت بدخشان قراردارد. بگفته آقای شرق رئیس جمهور با دست نویس خودش از قاری سیف الله یکی از فرماندهان بانفوذ خواسته است که درآمدن و اسکان موقتی کوچی ها در ولایت بـدخـشـان همکاری نماید. به نقل از خاورمیانه، آقای شرق گفت: من ازمرجع مردمی آگاه شدم که حتی دست نویس آقای غنی احمدزی در دست قاری سیف الله کـه رهبر ۴۰۰ طالب تروریست است قرار دارد، که در بردن مواشی کوچی ها در شیوه همکاری کند. به عقیده او چنین اسنادی نشان می دهنـد کـه رهـبـری حکومت مرکزی ارادهٔ برای کنترول بحران بدخشان ندارد.

اما درهمین حال آقای نوید فروتن سخنگوی والی بدخشان از دست داشتن رئیس جمهور وحلقه هایی از دورن حکومت در تشدید ناامنی ها دربـدخـشـان چیزی نگفت. او پاسخ رابه خود مقامهای ارشد مسئول حواله کرد، ولی او دولت مرکزی را درجنگ با طالب در بدخشان متهم کرده گفت تاکنون حـکـومـت مرکزی توجه چندانی به جنگ بدخشان نکرده واین مساله نشان میدهـد کـه حکومت مرکزی در برابر جنگ بدخشان بی اراده است. آقای فروتن میگوید: اکنون جنگ در بدخشان تحت کنترل در آمده و نیروهای دولتی در مـنـاطـق مرتفع یمگان مستقرهستند. وی علاوه کرد: تاکنون دشمن- طالبان- تـلـفـات سنگینی رامتحمل شده و ۴۰ کشته داده وبیش از ۲۰ دیگرشان زخمی اند. هـم اکنون حملات زمینی وهوایی بر دشمن جریان دارد.

بگفته فروتن اخیرا یک لوا در بدخشان ایجاد شده که توقع می رود پـس از این دامنه ناامنی ها در بدخشان کاهش یابد. به قول فروتن نیروی های موجـود در بدخشان برای مقابله با تروریسم کافی نیست وبدخشان به نیروی بـیـشـتـر وتجهیزات بیشتری جنگی نیازدارد. به قول او درصورتیکه حکومت مرکـزی درمبارزه باطالبان دربدخشان جدیت به خرج ندهد شمار ولسوالیهای آسیب پذیر افزایش خواهند یافت.

مافیای قدرت و لاجورد در بدخشان : به عقیده آقای شیوا علاوه بر دستهـای ازحکومت مرکزی برخی از مافیای سنگ لاجورد بدخشان نیز درعقب تشدید ناامنیها درآن ولایت قرار دارند. او افزود: آنچه هویداست اینست که دستهایی ازمافیای نظامی وسیاسی و مافیای سنگ لاجورد بدخشان در دولت افغانسـتـان، دامنه جنگ در بدخشان را گسترش دادند. بدون تردید موضع گیریهای منفعلانه حکومت مرکزی، عدم فرستادن نیروهای کافی و نیروهای هوایی دلایل بر بی ارادگی دولت مرکزی برای پایان دادن طالبان در بدخشان است.

بگفته اوبرخی ازنمایندگان وحلقه های ارشد دردرون دولت وحدت ملی از معادن طلا ولاجورد دربدخشان مستقیما سود دارندو این سود درناامنیها بیشـتـر قابلیت تامین پیدا میکندوحکومت مرکزی ازدیسانت نیروهای آشنابه منـطـقـه وفرستادن نیروهای هوایی باربار خودداری کرده واین مساله نشان میـدهـدکـه حکومت مرکزی درپایان ندادن جنگ بدخشان عمد می ورزد.

آقای شرق هرچندبه برخی ازاعضای مجلس درقاچاق سنگ لاجورد اشـاره میکند ولی ازکسی نام نمیگیرداما اضافه میکندکه اخیرا نمایندگان بدخشان در مجلس خود دست بکار شده و تلاش دارند که درمبارزه علیه طالب سهم بگیرند وآنها به تسلیح وتجهیزسازی نیرو های شخصی شان نیز اقدام کرده اند .

بگفته ولی نیازی، یکی از نمایندگان بدخشان در مجلس، سه تن از زورمنـدان محلی بنام های ملک، امام و شریف به حمایت برخی از نمایندگان و مقام های ارشد در دولت وحدت ملی به استخراج غیر قانونی معـدن سـنـگ لاجـورد مصروف هستند و درآمد این معدن میان سه جناح برخی از مقام های دولـتـی افغانستان، طالبان و خودشان تقسیم می شود.

حمایت های مردمی و نفوذ تروریسم در بدخشان : هرچند آقـای فـروتـن هرگونه همکاری از سوی مردم بدخشان با تروریسم را رد می کند ومیگویدنه تنها مردم با آنان همکاری نمیکنند که مخالف بودن آنان دربدخشان انـد ولـی میگوید درصورتیکه ازطرف حکومت مرکزی حمایت نشوند چاره ای جـز پذیرفتن را ندارند.

به قول فروتن مسدودیت مکاتب، باج گیری، عشروزکات گرفتـن، تـاراج اموال مردم توسط طالبان و آزار و اذیت مردم توسط آنان، مردم رابه سـتـوه آورده وهمین موضوع بودکه مردم ازخیزش مردمی در برابرطـالـب اعـلام حمایت کردند، اما شیواشرق از همکاری دو دسته افرادبا طالبان خبر می دهـد. بگفته او آنعده افرادی که فکر می کنند در ناامنی ها سود بیشتری نصیب شـان می شوند یا به قولی زورمندان محلی به شکلی از موجودیت نا امنی و طالب در بدخشان حمایت می کنند (ولی آنها هیچگاه نمی خواهند بدخشان بـه دسـت طالبان سقوط کند اما دسته دیگر جوانانی اند که گراییش های تفکر سـفـلـی دارند و در مدارس پاکستان درس خوانده اند. آقـای شـرق از شـمـاری از فرماندهان طالب تاجیک تبار افغانستان نام می برد که در مدارس پاکستان درس خوانده وبشدت گرایشهای وهابیت دارند، مولوی سیف الدین، قاری فتح الدین، قاری سیف الله، قاری محب الله ۱۰تا۱۲ تن دیگرکه فرماندهان ارشد طـالـبـان دربدخشان هستند، درس خواندگان مدارس پاکستان میباشند ودر صف طالبان قرار دارند.

بیسوادی، بیکاری، فقر، افراد مجرم و منازعه های محلی بخشی دیـگـری از عوامل سربازگیری طالبان در بدخشان عنوان میشود. وی هشدار می دهد کـه قدرت نیروهای وهابی در بدخشان در حال افزایش است و نیاز به توجه بیشـتـر دولتی دارد .

موجودیت نیروهای خارجی در صف طالبان :

آقایان فروتن و شرق هردو تایید می کنند که در صف طالبان به خصوص در دره خوستک نیروهای از شهروندان ازبکستان، چیچین، تاجکستان و اعضـای القاعده دیده شده و اجساد به میدان مانده از این گروه ها در جنگ خوسـتـک موید این مدعا است. به قول آنان در بدخشان در حدود ۴۰۰ تا ۴۵۰ تن اطبـاع خارجی در صف طالبان در برابر دولت افغانستان می جنگند.

مناطق در تهدید بالا:

آقای شرق از احتمال ناامن شدن ۱۳ تا ۱۴ ولایت دیگر خبر داده و می گوید که هنوز دیر نشده و حکومت مرکزی توان مهارافراطیت در بدخشان را دارد ولی اگر بیش از این تعلل صورت گیرد ممکن پشیمانی سودی نداشته باشد کما اینکه حالا هم پیشیمانی برخی از حلقه های دورن دولت بی فایده بوده است. به قول شرق ولسوالیهای راغ، شهدا و ارگو باداشتن نیروهای جوان وابسته به تفکر سلفیت نیز درمعرض خطر قرار دارند ولی هنوز کدام حرکتی از آنان یـعـنـی نیروهای وهابی دیده نشده است.

داکتر عبدالله و اشرف غنی. دروازه های شان را بر روی مردم بسته اند

ما نه بغاوت کردیم، نه پل را چپه کردیم، نه پارلمان را زدیم، نه وزارتـی را تهدید کردیم. ما حمایتگر نظام هستیم، هیچگونه تهدیدی برای نظام نیسـتـیـم، آدرس ما هم مجاهدین است. من تعجب میکنم که هنوز هم امریکا و انگلیس از دیدگاه پاکستان و از عینک پاکستان و به تحلیل پاکستان، افغانسـتـان را زیـر بررسی خود دارند و به همان منوال عمل می کنند.

عبدالودود پیمان، نماینده مردم ولایت قندوز در پارلمان است. پس از آغاز ناآرامی ها در شمال افغانستان و جنگها در ولایات بدخشان و قـنـدز، صـدای اعتراض آقای پیمان در رسانه های مختلف به گوش رسید. یکی از ویژگیهـای بارزآقای پیمان، صحبتهای صریح اوست. آقای پیمان بخشی ازحـکـومـت و حلقات خارجی را متهم به ناامن ساختن شمال نمود. در روزهای گـذشـتـه دو ولسوالی مهم قندز: دشت ارچی و چهاردره به دست طالبان افتاد و نگرانی های امنیتی را تشدید ساخت. بدین بهانه سراغ آقای پیمان رفتیم تا چندوچون قضایای ناامنی در شمال را از زبان وی بشنویم.

س: جناب آقای پیمان تشکرازشماکه وقت تانرا دراختیـار خـبـرگـزاری جمهورقراردادید؛ یکی از مسایلی که ظرف ماه های گذشته بسیاری ازمردم را نگران ساخته مسایل امنیتی است. گفته میشودکه جغرافیای جنگ تغییر کـرده است؛ یعنی اگرتادیروز درجنوب شاهد جنگ بودیم، حالاشمال کشورهم ناامن شده؛ میخواهم که راجع به کلیات ناآرامی در شمال بگویید. دیروز اشرف غنی هم در صحبت هایش این گپ را عنوان کرد که در ولایت قندز جنگجـویـان بیش از ده کشور می جنگند. چطور شد که گپ به اینجا رسید؟

پیمان: من وقت وناوقت ازطریق رسانه ها وتریبون پارلمان این بحث را گفتم وطوریکه شما امروز به ما فرصت دادید؛ اینقدر وقت کافی آنها نداشتند اجمالاً گاه و بیگاه در حساسیت موضوع صحبت کرده ام. من اول نقاطی را در قـنـدز مثل گورتپه، چهاردره و دشت ارچی واضحاًمیبینم که خودمردم محل از روی هرلحاظی با طالبان حمایت و همکاری دارند. دوم: طالبان بعد از اینکه هنوز در افغانستان مسلط نشده بودند یک لوای شان به قندز رفت و از حمایت و همکاری مردم، آهسته آهسته انکشاف کردند ازقندز به بغلان وبه تخار وبه دیگر ولایات که عامل پیروزی شان درگذشته هم قندز بود. همان مسأله را اینها باز فال گرفته اند وبعضی از متنفذین قندز هم که به نحوی لابی گری طالب رادرحـکـومـت میکنندشناختی باریاست جمهور و ارگ نشینان دارند و همیشه جنگهای قندز را به جنگهای قومی معرفی میکنند، امروزهم همان پالیسی را دوباره در حمایت و همکاری با طالبان ادامه می دهند.

گپ دوم من هم کسانیکه در قندزبه صفت والی رفتند یکی دو سه نفرپـی درپی، هیچکدام آنهاقندزی نبودند، اراضی قندز رانمیشناختند ازافـرادی کـه صاحب نفوذبودند و رابطه های خوب و شناخت در مسائل حکومت و روابـط مردمی داشتند ازچنین افرادی کار گرفته نشد. یعنی درقندز، کار رابه اهل کار نسپردند. روی مصلحتهایشتر به نقش لابی های طالب عمل کردند و امروز هـم حادثه قندز از بهار به اینطرف آغاز شده. پیش ازاینکه جنگها درقندزشروع شود، فامیلهای جنگجویان درقندز جابجا شده بودند. چچنی ها، عرب ها، اویغورهـا، یکتعداد افرادخارجی فامیلهای شان پیش ازآمدن آنها از برج حوت و حمل، از طریق موترها با چادری زنانه وبا اطفال شان آمدند و در این منطقه جابجا شدند. این گپها راماگفتیم کسی در آن وقت گوش نکرد، رئیس عمومی امنیت هم در جریان است. من شش ماه قبل به یکی ازخبرگزاری های جاپان این مسـألـه را گفتم، آنها شاهد هستند. حکومت هیچگاه گوش نمیکند. وقتیکه یک جای را میفهمیم ومیگوییم که حکومت درفلان قلمرو تودشمن آمده، نهال شانده، وقتی که آن ریشه میگیرد، سایه میگیرد و بعد از آن نفوذ پیدا میکند در ساحه بـعـد درآن وقت میروندعملیات را شروع میکنند وآن عملیات راهم ناتمام میگذارند دوباره باز می گردند.به فکر من که در قندز بخاطر سرحدی که با آسیای میانـه دارد و نیز بخاطر سردی روابط روسیه با غرب در مساله اوکراین، قوت هـای ناتو با روسیه باهم روبرو شده اند؛ از هر طوری که شود برای روسیه جـنـجـال آفرین است. برنامه های امروزی، تنها برنامه های پاکستان نیست، کشـورهـای فرامنطقه درقضیه دخیل هستند. مساله قندوز بسیار مسئله حاد است، ما ایـن را تکراراً گفتیم و بازهم خدمت تان میگویم که اگرقوماندانهای جهادی که درخود منطقه است، همان مردم که باتجربه گذشته درمنطقه صاحب نفوذ هستند، مردم بااینها هستند، در برابر قوتهای گذشته، جنگهای طالب، تجربه کافی دارند از این مردم اگر استفاده شود، هم دست حکومت سبک میشود وهم به نظر من مردم آرامش پیدامیکند. والی وآدمهای ملکی بی تجربه و کورس خواندگیها نـمـی توانند ادارات ولایت و قوماندانی را به پیش ببرند. امروز در قندوز اینها میروند یک عملیات ناتمام می گذارند .

قندز با پاکستان سرحد ندارد، طالبان با اکمالات لوجستیکی و تجهیزات و تسلیحات قوی در برابر اردوی منظم افغانستان شدیداً می جنگند، درهرشـبـانـه روزکه جنگ میشود اگریک فیر ازطرف اردو شود هزارفیر ازطرف طـالـب صورت میگیرد. زخمی اینهادرکجامداوا میشود؟ کشته های اینهاکجامیـرود؟ سلاح را به این ها کی می دهد؟ مردم آواره میشوند، سرگردان می شوند. وقت محصول زراعتی هم همیشه اکثر جنگ ها سر عشر و ذکات برنج و گـنـدم صورت می گیرد، مردم بیجا میشوند. مردم مالدار است، زمین دار است، همـه متضررمیشوندوآواره میشوند. باز قوت های دولت میروند به نقاط دایمی خود و دوباره رهامیکنند، باز تا دروازه شهر میروند و باز می آیند. اما این بار نظـربـه قول مرادعلی مراد که ما شنیدیم گفته است که رمضان بگذرد تا آنوقت مردم هم حاصلات خود را جمع کنند، فعلا طالب خطرجدی به شهر نیست از مناطق چهاردره به ساحه دولت آمد عقب نشینی کرده اند، به وعده وزارت دفاع بعـد ازعیدفطر اینها پروگرام دارندکه یک عملیات ضدطالبانی را روی دست بگیرند که تحول بنیادی رابه باریاوردتامردم درسال آینده آرامش داشته باشند.

س:از لابلای صحبت شما من سه تا گپ مهم را متوجه شدم: گپ اول، نقش کشورهای فرامنطقه ای است که در قسمت گسترش طالبان و داعش، شما یک اشاره مختصر داشتید. دوم، مقامات محلی و کورس خواندگی هاییکـه شـمـا گفتید که از میان مردم محل نیستند و شناخت ندارند. وسوم مسأله، بی تفاوتی حکومت است. من میخواهم که مشخص ازجناب شما بپرسم که اولاً در رابطه به همین نقش کشورهای فرامنطقه ای صحبت کنید. بعد از اینکه حکومت وحدت ملی آمده، واضح است که ناامنی در شمال تشدید شده؛ تازمانی که جنجال های انتخاباتی بود این را ما نیز بارها گفتیم به حیث رسانه که داعش در جنوب آمده، در جنوب غرب آمده، به ولایاتی مثل فراه و هیرمند و در زابل جابجا شده اند.

در آن زمان چون جنجال های انتخاباتی بود کسی جدی نگرفت؛ تا اینـکـه کم کم این ناامنی ها به سمت شمال گسترش پیدا کرد. راجع به این حـامـیـان خارجی مشخص گفته میشود که انگلیس است و پاکستان و عربستان است. شما نقش این محور راچقدر پر رنگ میبینید در ایجاد ناامنی ها در شمال افغانستان؟

پیمان : من به وضاحت میگویم دیروزیکی از وکلای پارلـمـان شـکـریـه بارکزی گفت درقضیه افغانستان، چین بسیار مداخله میکند مرگ به چین مرگ به روسیه مرگ به هندوستان! گپ های بارکزی برای من (دنباله درصفحهٔ ۵)

انجنیر عبدالصبور فروزان — نیوجرسی

تلویزیون ژوندون

مظهر تعصب زبانی و قومگرایی درافغانستان

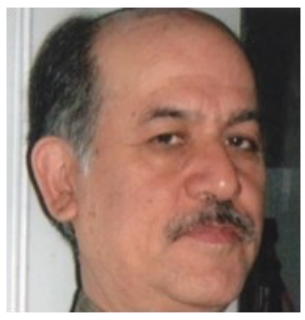

انجنیر عبدالصبور فروزان

سلالهٔ قومگرایان وتبعیض طلبان که هدف تحمیل حاکمیت قوم پشتون رابر سایر اقوام وملیتهای ساکن کشوردارند، درمقاطع مختلف تاریخ برای سرکوب اقوام دیگربویژه تاجیکان، هزارگان و اوزبیکان نیز از روحانیون وابستهٔ ایشان استفاده کرده، وعین فتوایی راکه نادر برعلیه مردم شمالی صادرنموده بود، کرده اند. چنانکه طالبان مزدور و حیوان صفت بعدازقتل عام مردم شمالی که به همکاری فوج پاکستان صورت گرفت، دراواخرسال ۱۹۹۷ تعدادی ازملاها و روحانیون وابستهٔ خود را درقندهارجمع نمودند وبه ایشان وظیفه داده شدتا فتوایی برعلیه مردم شمالی صادر نمایند. این ملاها وروحانیون طالبی بعدازنشست چندروزهٔ شان در قندهار، فتوایی رابه این مضمون صادر کردند: (برای اینکه مردم شمالی دوباره دربرابر امارت اسلامی افغانستان بغاوت وشورش ننمایند، وبخاطرشورش آنها وجزای شورش آنها دربرابرامیرالمومنین (امیرالجاهلین) ما علمای دینی قندهاری مطابق امرخدا ورسول او فتوی میدهیم که آنچه سرک، کاریز، چاههای آب، نهرهای آب، زمینهای زراعتی شمالی که ازکوتل خیرخانه به بعدشروع میشود، بایدتخریب گردند، تاکهای انگور ودرختان میوه دار قطع گردند، خانه های مسکونی تخریب ویاآتش زده شوند، حیوانات ازقبیل گاو گوسفند ودیگرچار پایان یاکشته شوندویا به طلبهٔ کرام تعلق گیرند. مال مردم شمالی غنیمت شمرده میشود، اگرکسی دربرابرعملی کردن این فتوای علمای دینی مقاومت کرد، خون آن شخص مطابق شریعت نبوی مباح است.)

متن این فتوا به زبان پشتو است، مفتی مولوی عبدالقدیر وارث که درآن زمان رئیس دارالافتاء طالبان در کابل بود، میگوید: ملا ترابی وزیرعدلیهٔ طالبان مرا دردفترخود خواست وفتوا رابه من نشان داد که درآن علمای دینی قندهاری امضاومهر کرده بودند. ملاترابی به من گفت: مولوی صاحب چون خودت رئیس دارالافتاء هستی، این فتوا راگرفته مکتوب بساز ودرپای آن امضاکن ودر همه جا روان کن تاعملی گردد. جناب مولوی عبدالقدیر وارث میگوید اجازه بدهید که فتوا رابخوانم. وقتی من این فتوا را سراپاخواندم خیلی ملول شدم، بدنم مداغ شد ونزدیک بود که فریاد بکشم، به ملاترابی گفتم وزیرصاحب! آنچه که درین فتوا نوشته شده است، خلاف قرآن وخلاف سنت پیامبراکرم(ص) و مخالف دستور شریعت نبوی میباشد، ومن هرگز حاضرنیستم که درین سندامضا نمایم.

مولوی وارث میگوید: من باآیات قرآن شریف واحادیث نبوی برای ملا ترابی ثابت ساختم که آنچه درین فتوا است ضدقرآن وضدسنت پیامبراکرم (ص) است وبرای گفتم که پیامبراکرم(ص) زمانی که به غزوات میرفت، به لشکراسلام توصیه میکرد که زمینهای مردم را حتی اگرمسلمان هم نباشند و طرفدار کفارباشند، ویران نکنید، کشت و مزارع مردم راتخریب نکنید، چاههای آب، چشمه هاوجویهای آب را ازبین نبرید، به مردم اذیت نرسانید. چطور میشود که امیر صاحب مومنین(امیرجاهلین) وعلمای دینی قندهاری فتواداده اند که زمین ومزارع مردم شمالی راتخریب کنید، سرک، کاریزوجویبار های مردم شمالی راویران کنید، تاکستانها ودرختان ایشان را قطع کنید، خانه های شانراویران کنید یابه آتش بکشانید وچارپایان ایشان را بکشید. آخر مردم شمالی مسلمان هستند، درآنجاقرآن خوانده می شودومساجدوجود دارد، این کاملاً خلاف شرعیت است ومخالف هدایت قرآن شریف است.

ملا ترابی دیدکه صدای من بلندشد وآشفته شده ام، گفت: مولوی صاحب توکه امضا نمی کنی، قاضی القضات رامیگویم که امضا کند وعملی اش کند. همان بودکه قاضی القضات راخاست واوامضا کرد وفتوا عملی شد. طالبان جوقه جوقه به شمالی میرفتند وآنچه از درخت، کاریز، چاههای آب وجویبار ها، زمینهای زراعتی، تاکستانها راتخریب میکردند وپایمال مینمودند، خانه های مردم راویران کردند وآتش زدند، حیوانات شانراکشتند ومال ودارایی مردم رابا خودآوردند.

جناب مولوی عبدالقدیر وارث که یکی ازعلمای جید وفقیه بدخشان است، میگویدکه یکسال بعد به طالبان اطلاعات رسیدکه آن تاکستان هایی راکه پارسال قطع نموده بودید، ازسر جوانه زده اندونزدیک است که بارور گردند. این خبربه ملاعمر رسانیده شد وملاعمر باز علمای قندهاری راجمع کرد وامر دادکه فتوای دیگری صادرنمایند تا طالبان به شمالی رفته وآن تاکهای انگور که جوانه زده اند را از بیخ وریشه بکشند. مولوی وارث میگویدکه باز ملاترابی مرابه دفتر خودخواست وگفت مولوی صاحب پارسال فتوا راامضانکردی، امسال فتوای دیگری ازطرف علمای دینی صادرشده، این فتوا رابایداامضاکنی، بخاطراینکه اکنون چیز دیگری درشمالی نمانده که تخریب شود وفقط فتوا براین است تاتاکهای انگوری که پارسال قطع شده بودند وامسال دوباره نوده زده اند، ازبیخ وریشه کنده شوند، که چندان گپ بسیارمهم نیست ! جناب مولوی وارث چون یک مبارز سربکف دربرابراین فتوای طالبی ایستاده میشود ومیگوید: وزیرصاحب این فتوا هم خلاف قرآن شریف وخلاف شریعت شریف وخلاف سنت پیغمبر(ص) میباشدومن هرگزآنرا امضانمی کنم، وزیر صاحب اگربدن مرا بند بندقطع کنند من آنچه راکه خلاف شریعت وخلاف هدایات قرآنکریم باشد، امضانمی کنم. جناب مولوی وارث میفرمایدکه ملا ترابی این بارخشم خودراگرفته نتوانست وگفت که توچون ازبدخشان هستی، طرفداری مسعود و ربانی رامیکنی، و از امرامیرالمومنین (امیرجاهلین) سرکشی میکنی.

مولوی وارث میگویدکه من بسیار خشمگین ودرعین زمان بسیار ملول شده بودم، درحالیکه به حالت زارمردم شمالی می اندیشیدم، دفترملا ترابی راترک گفتم وبه خانه آمدم ودیگربه دفترنرفتم. چند روزبعد ملاترابی برای من نفرروان کردکه بایدبه پاکستان یاجای دیگری بروم وگرنه درینجا کشته میشوم .

عبدالله امین برادر حفیظ الله امین که درسال۱۳۵۸ خورشیدی بحیث والی قندزگماشته شده بود، مردم قندز راکه تعدادشان به هزاران نفرمیرسید، درچوک شهرقندزجمع کرد وخود درعقب بلندگویی پس ازثنا وصفت روسها وترغیب مردم به اطاعت ازدولت کمونیستی آنان رادعوت کردکه به بامیان بروید وآنچه زمین وباغ ازهزاره ها است ویران نمایید، حتی به حیوانات شان هم رحم نکنید، سرهزاره ها ازمن و مال و زن ایشان ازشما ! شمارزیادی ازناقلین قندزبه صدای عبدالله امین که به پشتوخطابه میداد، لبیک گفت مسلح شدندوبه بامیان رفتندوآنچه جنایاتی راکه طالبان ددمنش وسفاک به امر باداران پاکستانی شان درشمالی کردند، ایشان دربامیان برعلیه مردم بیگناه وبیدفاع هزاره نمودند.

جمعه اثک که شخص ظالم وبی مروتی بود، درزمان زمامداری داکترنجیب الله سمت قوماندان زون شمال وشمالشرقی بود. او از سوی نجیب فرمان گرفت تابه سالنگ واولنگ برود وآنچه اززنده جان چه حیوان وچه انسان درآنجاست، سربزند، مزارع وباغها راازبین ببرد، درختان توت راازبیخ وریشه برکند وآنچه خانه وآبادی در آنجاست تخریب نموده وبه توپ بپراند، تادیگرکوچکترین مانعی ازاشرار درشاهراه سالنگ نماند. جمعه اثک دوفرقه یکی فرقهٔ۱۸ دهدادی ودیگری فرقهٔ ۲۰ نهرین را تادندان باسلاحهای مدهش مسلح ساخت وبطرف سالنگ واولنگ سوق داد. دراین لشکرکشی انواع سلاحهای ثقیلهٔ مدهش چون بی ام۱۲، بی ام ۴۰، هاوان کوهی، توپ های مدهش، تانکهای زرهدار وهلیکو پتر های توپدارکه به هلیکوپتر های پلنگی مشهوربود، بکار برده شد، عدهٔ ازمردم سالنگ و اولنگ توانستند که قبل ازحمله بطرف پنجشیر وکابل فرار نمایند، ولی عدهٔ بیشترایشان که توان رفتن نداشتند، خودباخانه هایشان توسط مرمی توپ به هوا پرانده شدند، که توته های بدن ایشان راکسی پیداکرده نتوانست. یکی ازسربازانی که درین لشکربود، میگوید درین حمله که چندین روزدوام کرد، ضربات توپچی ودیگر سلاحهای ثقیله و فیرتوپهای مدهش توسط هلیکوپترهای پلنگی وتانکهای زرهدار چنان شدید بودکه هردو دره به یک کورهٔ آتش تبدیل شده بود، خانه هاودرختان شب وروز می سوختند، انفجار مرمیهای توپ هرآن درهرکنج وکنار این دره به مشاهده میرسید، فضای دره ازدود تاریک شده بودوبوی ناشی از انفجار مرمی های توپ چنان زننده بودکه سبب سوزش درچشمان ماشده بود واکثرعساکرسرفه می کردند.

همین سرباز میگوید ضربات توپچی وسایرسلاحهای ثقیله چنان شدید بودکه خانه های مردم سالنگ و اولنگ همراه باخودشان به هوا پرانده میشد وآنچه ازحیوانات بود نیزکشته شدند، حتی مرغها توسط اصابت مرمی کشته شده بودند، درختان ازبیخ وریشه کنده شده وازآبادی چیزی نمانده بود واززنده جان اثری دیده نمی شد. اکثرسربازانی که درین حمله آورده شده بودند، ازدیدن این ویرانی وآتشسوزی وبیرحمی اشک میریختند وبخاطرمردم آن دو دره مغموم بودند. درهرجایی که میرفتند توته های بدن انسانهاوحیوانات رامیدیدند. پس ازین حمله دره های سالنگ و اولنگ که اززیباترین دره هابودند، چنان ویران شدند که ازدیدن آنها انسان وحشت میکرد همین سربازمیگویدکه رهبری این عملیات را جمعه اثک به شخصی بنام دین محمدداده بود که شخص ظالمی بود، عضوحزب خلق واز مردم خوست بود. دین محمدکه معاون غند۱۲ توپچی بود، شخصی قسی القلب وبی مروت بود، مردم تاجیک واوزبیک را بسیار بدمی دیدواکثراً ایشان رادرپیشاپیش جبهه روان میکردکه کشته شوند. وقتی حمله خلاص شد، دین محمدخان یک موترگاماز راگرفت و آنچه از مردم سالنگ و اولنگ باقی مانده بود، بشمول دروزاه ها و کلکین های خانه ومساجد راگرفته وباخود آوردوبه ماعساکرامر کردکه آنرا زودتخلیه نماییم که به خوست روان میکند، وخودموتر کاماز رادوباره گرفت ورفت تامال بیشتر جمع نماید، که پایش بر روی ماینی آمد وکشته شد ومرده اش راجمعهٔ اثک به خوست فرستاد. این سربازمیگوید جالب این بودکه مطبوعات کابل تورن دین محمد رابحیث قهرمان عملیات سالنگ و اولنگ وشهیدراه وطن اعلان کرد و داکترنجیب برایش رتبهٔ جنرالی بعدازمرگ راداد ! در حالیکه ماشاهد بودیم که او دراثنای دزدیدن وچپاول مال مردم سالنگ و اولنگ، پایش روی ماین آمد وکشته شد.

آقایان یون و خرم و فاشیستان همفکرتان ! نابکاری هایی راکه شرح دادم، از زمان حکمروایی سدوزایی هاتا محمدزایی ها وازامیر عبدالرحمن تا نادرغدار وهاشم جلاد، تا زمان گلبدین وطالبهای اجیر پاکستانی وتا زمان کرزی واینک غنی احمدزی، ادامه داشته، وشما در اصرار براستمرار چنین سیاست ضدوحدت ملی وبرتریخواهی قومی وسمتی، ملت مظلوم افغانستان رابسوی آیندهٔ تاریکتر ازپیش می کشانید . به لحاظ خداوند(ج) ازین همه سرزوری وجنایت دست بردارید وهمه بندگان خدارا چون خویش بپذیرید، تا درانتهای این راه پرخم وپیچ وتنگ وتاریک، ملت روشنایی آفتاب وحدت ملی و سرفرازی ورفاه وآسایش را ببینند ولختی بیارامند . (ادامه دارد)

****

داکترعبدالله و اشرف غنی ... (دنباله ازصفحهٔ چهارم)

بسیارخنده آوربود. قضیه روشن است که چرااینهااین گپ رامیزنند ! نگرانی من این است که حکومت وحدت ملی نسبت به دوره آقای کرزی بیشتر به مشوره خارجی ها عمل میکند؛ هم داکترعبدالله و هم داکترغنی آنقدر به گپ پارلمان و موسفیدان و مردم منطقه گوش نمیدهند که مشوره خارجیها را گوش میکنند. ماحالا میفهمیم که کرزی این قدرخوبی راداشته که ما آنرادرگذشته درک نمی کردیم، موضوع را حالا می فهمیم که کرزی به گپ خارجی ها آنقدر گوش نمی کرد و خودش بیشتر در کارها مداخله و مدیریت داشته؛ اما حکومت فعلی، هر دو طرف را ناامید ساخته؛ هم کسانی که توقعات از عبدالله داشتند وهم از اشرف غنی؛ هر دو طرف امروز دروازه های شان به روی مردم بسته شده. آن ملاقاتی که داکتر صاحب عبدالله درگذشته ها با ما داشت فعلا ندارد...

ما می فهمیم که تفاوت انسان ها در شرایط جنگ و بحران معلوم میشود. من فکرم این است که اگر حکومت وحدت ملی بیشتر برای رضایت خاطر کمک کننده ها عمل کنند کمک آنها هم بدرد ما نمیخورد و وطن ما در لابلای یک منجلاب و تباهی می رود. خواهش ما از کمک کنندگان خارجی این است که بیشتر مداخله نکنند! در قضایای افغانستان، مشورت بدهند اما مداخله نکنند که مانند نظام حفیظ الله امین و ببرک کارمل می شود؛ به آن اندازه نباید مداخله کنند.

طالبان از لحاظ کمیت افزایش پیدا کرده، یک گروه نو به نام داعش هم با پول زیاد جلب و جذب دارد، تسلیحات بسیار مدرن هم دارند. این پول زیاد و تسلیحات از کجا می آید؟ بعضی ها معتقدند که پول عربستان سعودی دخیل است، ترکیه نقش خود را دارد، آموزش پاکستانی ها هست!

جنجال ما درمنطقه بیشتربخاطرایران شده، به این خاطر که مارامنسوب به ایران میدانند! فکر می کنند که ما و کسانی که فارسی گپ میزنند پیکر ایران هستیم، ما ضربه ای که میخوریم، آدرس ایران است! درحالیکه ما آنقدر تعلقات به ایران نداریم. ما در گذشته در جنگ های کابل، بیشتر با طرفداران ایران درگیر بودیم! فعلا کشور قطر، بطور واضح به طالب کمک می کند و از طالب دفاع میکند، استخبارات امارات، استخبارات قطر، استخبارات سعودی با پاکستان مشترکاً به بهانه ایران در افغانستان کار می کنند. و این همه قربانیانی که در افغانستان خون شان ریخته، فکرمیکنم که ۸۵درصد خون مردم ما به گردن شیوخ عرب است. کسانی هستندازسرمایه داران عرب که ازتعصبات قومی عربی، اینها در افغانستان گویابه ضدایران کار میکنند، گوشمالی دادن هزاره و گروگانگیری هزاره ولت وکوب تاجیک وزدن دیگران را انجام می دهند. تاجران هزاره را از دوبی بیرون کردند؛ کل این بحث ها هست . ما بدبختانه نه طرف ایران هستیم نه طرف دیگری هستیم؛ کوشش داریم که در وطن مان آزاد زندگی کنیم، مستقل فکر کنیم و مستقل هستیم. در جنگ های گذشته ثابت کردیم که به کسی وابستگی نداریم، اگر می داشتیم به این روز نمی رسیدیم. امروز شما ببینید! ما که با امریکا همکاری کردیم، هنوز هم در رکاب همکاری امریکا هستیم، طالب که سر مان را می بُرد بخاطر همکاری ما با امریکاست و حتی امریکا هم، روی ما بدگمان !

محمد طاها کوشان — فریمونت ـ کالیفورنیا

نامه سرگشاده به اوباما و پارلمان امریکا

درآن شهری که مردانش عصا از کور می دزدند
همان شهری که اشک از چشم، و کفن از گور می دزدند
من از خوش باوری آنجا محبت آرزو کردم
در آن شهری که فریاد از دهان باز می دزدند (مسعود) ؟

بارفتن آقای جان مکین سناتورجمهوریخواه؛به افغانستان و اظهاراتش درباره اراده آقای اوباما رئیس جمهور ایالات متحده امریکا در مورد برون کشیدن همه ارتشیهای امریکا ازافغانستان با استواری وجدیت انتقاد نمود. این درست است که هنوز مشکلات جنگ و خونریزی در افغانستان پایان نیافته وامریکا ازبیخ درین جنگ ناکام مانده وهمهٔ سیاستبازان امریکا برای پرده پوشی این شکست هرچه می سنجند؛ پارچه شان کوتاهی میکند.

من دریک معما هنوز گیرمانده ام وهرچه درگشودن آن تلاش میکنم خردو اندیشه من توان آنرا در خود نمی بیند و آن مسئله اتمی شدن کشورمنافق ونوزادانگریزبنام پاکستان است. آنزمانی که این فرزند زاده شکم سیاست انگریز خونریز دارای بمب اتمی شد. با اینکه همه میدانستند و میدانند که سیاستبازان به ویژه ارتشی های آی اس آی نامسلمان پاکستانی شاگردان مکاتب شیطنت و تفرقه افگن انگریزی آنقدر زیرک وآگاه از رمز ورازخبرچینی بودند و هستند که حتی خود راهمسر چه که والاتر وبالاتراز ام-۱۶انگریز وسی آی ای امریکا میدانندودرعمل هم ثابت نمودند که هردودستگاههای خبر چینی بزرگ دنیا را خرسوار از زیر ریش شان گذشتاندند؛ آنگاه داد وبیدادامریکا بلندشد که عبدالقادرخان پشتون پاکستانی رمز و معادله های کیمیاوی ساختن بمب اتم را به ایران فروخت.

پرسش اینجاست که چرا منع استفاده از مخرب ترین افزار جنگی یعنی بمب اتمی سازمان ملل متحد را پاکستان امضا نکرده بود؟ این پاکستان که با معضلات بسیار اقتصادی و مالی روبرو بود با کمک کدام کشورتوانست به ساخت بمب اتم دست یابد. چین وخود امریکا امکانات ساخت بمب اتمی در پاکستان را مهیانمودند. ماه سپتمبر ۲۰۰۱، جورج بوش تحریم های هند و پاکستان که بر اساس (قانون کنترل صادرات اسلحه) تصوب شده بود را پایان داد. ماه می ۲۰۰۵،جاپان نیز تحریم اقتصادی که به دلیل آزمایش های هسته ای پاکستان تصویب شده بود را ملغی اعلام نمود.

این بازی که همه میدانند با آنکه تند روان مذهبی پاکستان در ارتش و به ویژه در آی اس آی قدرت لاقید و شرط دارند؛ سران ارتشی و اداری حکومت پاکستان که حالا واضح و پوستکنده از راه رسانه های همگانی بزبان خود اقراردرقتل وکشتار بیرحمانه درافغانستان دارند؛ ونام آنرا بازی بین امریکا و پاکستان!؟ می گذارند؛ را بعد از خروج نیروهای ارتش سرخ کرملین از افغانستان ادامه داده اند و بنا بگفته جنرال درانی پشتون رئیس سابق آی اس آی اگر دوباره به همان سمت مقرر شود این بازی را ادامه میدهد.

حالا این همه جنایت و جنوسایدهای بشری را که در افغانستان راه انداختند و هنوز نیز ادامه میدهند. و آقای اوباما فرمود که طالبان دیگر دشمن امریکا نیست؟! پس مردم بی دفاع و بیچاره ما در این بین چی هست وکی هست؟ آیا دشمن امریکا ماییم که این هیولاهای بی شاخ و دم را با همکاری و پشتیبانی بی پرده و آشکار آی اس آی پاکستان بجان مردم ما رها کرده اند و خوب می بینند که هر روز بیش از چندین نفر را سرمیبرند و مثله می نمایند؛ اینها جنایت نیست و بازی سیاست هست؟آیا واژه وجدان در بین سیاستمداران امریکا و پاکستان معنی را افاده می کند یا نه؟ آیا حقوق بشری که دراین چهارده سال در افغانستان نغاره آن زده می شود چیست؟آیا ناقض حقوق بشر کسانی است که با گلبدین و نوکران آی اس آی و طالب و القاعده جنگیده اند؟

این جنرال پرویزمشرف، نوازشریف، جنرال درانی و ملاهای تندرو پاکستانی خدمتگذاران سیاستهای لندن و واشنگتن، ناقضین حقوق بشر و عامل کشتار های دسته جمعی و آتشزدن و و نبوده و قابل محاکمه در محکمه هاگ نیستند؟ چون اینها همه نمایانگر قوت جانشین امپراتوری انگلیس درمنطقه باحمایت وپشتیبانی حالایی پرده وآشکار لندن در منطقه است و اینها آزاد و بی دغدغه هرجای که بخواهند میروند واقرار به جرایم جنگی هم میکنند، اما کو وجدان پرتوانی که اینها را به محکمه بکشانند؟ شما به ما بگویید که ملت افغانستان چی گناهی را مرتکب شده که این همه باید کشته شوند وحق زندگی از ماها گرفته شود؛ چرا؟ این ادعای امریکا همانند دروغهای شوروی سابق ؛دیگر رنگ باخته که پشتیبان انتخابات آزاد و دیموکراتیک درجهان است.

اول درمصر محمدمرسی که باآرای مطلق ازجانب شهروندان مصر به ریاست جمهوری برگزده شد؛ باسبوتاژهای شما واسرائیل از قدرت کنار زده شد و به این هم کتفا نشده که حکم اعدام وی چند صباح دیگر اجرا خواهد شد.

دوم: شما در افغانستان سه بار خواست همه شهروندان افغانستان را نادیده گرفته و با آوردن حامد کرزی و سرپا نگداشتنش تا چهارده سال؛ خطای بعدی را با فرستادن جان کیری و سهم دادن دیوانه دیگر بنام اشرپ غنی احمدزی را بر گرده ملت ما سوار کردید. برای چی و چرا شما این جفا را در حق شهروندان افغانستان روا داشتید؟ شما هم مادروپدر وخواهر وبرادر وفرزند دارید؛ اگرهمین حالتیکه شما بر میهن من آورده اید؛ بالای شما کسی بیآورد چی خواهید کرد؟

شعری از مسعود(؟) در جستجوی محبت
درآن شهری که مردانش عصا از کور می دزدند
در آن شهری که خنجر دستهٔ خود نیز می برد (دنباله درصفحهٔ هفتم)

****

ما که با امریکا همکاری کردیم، هنوز هم دررکاب همکاری امریکاهستیم، طالب که سر مان را می بُرد بخاطر همکاری ما با امریکاست و حتی امریکا هم، روی ما بدگمان است، انگلیس هم سر ما بدگمان است؛ همین عملیاتی که امریکا در چاریکار کرد ضرورت اش چیست؟

انگلیس هم سرما بدگمان است؛ همین عملیاتیکه امریکادرچاریکار کرد ضرورت اش چیست؟ اگر اشتباهاً فهمیده که ذخیره سلاح است، به داکتر عبدالله و به رهبران جهادی مراجعه بکنند؛ این ها به آسانی مشکل را حل میتوانند. همانطور که سایر ذخایر خود را به وزارت دفاع تسلیم کردیم، میشود قوماندانیکه سلاح مخفی داشته باشد را آماده کنیم که سلاح خود را بدهد. ولی مانه بغاوت کردیم، نه پل را چپه کردیم، نه پارلمان را زدیم، نه وزارتی را تهدید کردیم. ما حمایتگر نظام هستیم، هیچگونه تهدیدی برای نظام نیستیم، آدرس ما هم مجاهدین است.

من تعجب میکنم که هنوز هم امریکا و انگلیس از دیدگاه پاکستان و از عینک پاکستان و به تحلیل پاکستان، افغانستان را زیر بررسی خود دارندو بهمان منوال عمل می کنند. نقش پاکستان را در حمایت غرب، پیش می بینند، یک رابطه دیرینه و پیوندی که استعمار انگلیس با پاکستان دارد جای چشمپوشی نیست. تقریباً بسیار باهم همکاری های نزدیک دارند، خدا بیشترش بکند ! ولی جالب این است که شیخ های قطروسعودی، امسال انگلیس راخودشان آوردند، ۴۵ هزار نیروی غربی را برای امنیت خاک خودشان بابت تهدید ایران در خاک خودجابجا کردند، برای خود تکفیرنمیکنند، ولی برای (دنباله درصفحهٔ هفتم)

بر غنی و عبدالله است ... (دنباله ازصفحهٔ سوم)

ازتقلباتی که همهٔ دنیا ازآن آگاه وخواهان رسیدگی واصلاح آن ازطریق یک رویهٔ دموکراتیک شدند، پشدت برعبدالله بحیث یکی ازچهره های جهادی که همه چیز باید بروفق مراد آنهاباشد، ودرغیرآن، آنراقبول ندارند، انتقادمیکرد و میگفت که او(عبدالله) به انتخابات وآرای مردم افغانستان احترام نمیگذارد و قبول نمی کند که درهرانتخاباتی یکی برنده ویکی بازنده است.

لهذا تقررچنین کسی که تعصبات قومی چشم واقعیت بین وقضاوت آزاد ویطرفانهٔ او را درتشخیص وتمییز حق وناحق از اختیاراو گرفته باشد، وشواهد بسیاری هم درین امر موجودباشد که اوواقعاً مرتکب چنین تعصبات ونابرابری های قومگرایانه شده است، تعیین اودررأس چنین کمسیون مهم، بسیار مغرضانه وظالمانه ودور ازانصاف بوده است. پافشاری عبدالله وتیمش در رد این فرمان رئیس جمهور انتصابی، بسیار بجا بود، وایکاش عبدالله ازشروع کاراین حکومت، با درنظرداشت حقوق، قدرت، صلاحیتها ومسئولیتهایش که با امضای موافقتنامه ایجادحکومت وحدت ملی ازآن برخوردار بود، مانع خود سریها، خودخواهیها، قومگراییها، فرامین تقررها مخصوصاًبرطرفی های بیمورد وغیر قانونی ومذاکرات مخفی وامضاهای موافقتنامه های ناحق وبدون مشورهٔ این مجنون الحال، بااین حکومت وآن حکومت میکند، به یقین امروزقوای اجراییه وقضاییه مرکب ازافراد فنی وشایستهٔ میداشتیم، وقوای تقنینیه یا بگوییم نمایندگان ملت ما با برگزاری انتخاباتآزاد ازصلاحیتهای قانونی شان به اساس قانون اساسی کشورمستفید می بودند، جلو یکه تازیهای غیرقانونی این تشنهٔ قدرت را می گرفتند .

بگفتهٔ یکی ازنمایندگان ولسی جرگه: (این انسان خودخواه وتشنهٔ قدرت همانطورکه باپلان طرح شده، برگزاری انتخابات ولسی جرگه راتقریباً ازبین برد، به یقین هیچوقت درتشکیل لویه جرگه که حکومت ریاستی رابه پارلمانی تبدیل وعبدالله رابحیث صدراعظم، صاحب قدرت قانونی شود، اقدام نخواهد کرد.)

امضای توافقنامهٔ مخفی امنیتی باآی اس آی پاکستان که ازطرف کرزی و یکی ازروزنامه های پاکستان برملا شد، چنانکه معلوم میشود طرف علاقمندی هردوطرف بوده، منتها درمشوره وخاکهٔ آن بگفتهٔ عبدالله وتیمش قبل ازینکه به امضا برسد، تغییراتی وارد شده که آنهابه آن موافق نبوده اند. فعلاً بنابر اعتراضات گسترده درتمام کشور، که این عملکرد حکومت را مخالف منافع ملی کشورتلقی وحتی آنرا خیانت ملی گفته اند، غنی و تیمش آنرا محض یک مسوده شمرده و اصلاً ازامضای آن ابا می ورزند ! به عقیدهٔ اینجانب رسیدن هرگونه تفاهم باامضای توافقنامهٔ امنیتی واستخباراتی باآی اس آی پاکستان (دشمنان وقاتلین واقعی مردم ما) چه خاکه، چه مسوده وچه سند امضا شده، وحتی خیال وتصورآن یک خیانت بزرگ ملی ویک عمل زشت، قبیح وگناه نابخشودنی است .

درمذاکره باطالبان که ازشروع این حکومت بانمایندهٔ خاص وارگ نشین احمدزی (قیوم کوچی کاکای رئیس جمهورانتصابی ما) ویکعده ازطرفداران این پروسه درپاکستان و قطر و چین و حتی در سویدن، بگفتهٔ این حکومت، بصورت غیررسمی، صورت گرفته است، چنانکه بعضاً خبرآن ازرسانه های خبری انتشارمی یابد، مثل همیش جز اتلاف وقت ویک بازی شیطنت آمیز ومفسدانهٔ سیاسی آی اس آی پاکستان، چیز دیگری نیست .

صدر رهبری واعضای برجستهٔ طالبان که بیشتر ازپانزده سال است برای اهداف سیاسی پاکستان مردم ما رامی کشند وکشورمارا ویران میکنند، روبات ها(آدم های خودکار) وبی اختیار وبی اراده، در دست کثیف آی اس آی اند که باتعلیم وتفسیر نادرست ازکلام پروردگار، که توسط علمای نامسلمان پاکستان به آنهاتدریس شده است، تا زنده اند به این قتل وقتال که به زعم آنها جواز مشروع شرعی دارد، ادامه میدهند. این آی اس آی وعلمای نامسلمان پاکستان است که آنهارا متقاعد بسازند تا ازین جنگ وقتل وقتال و ویرانی وتباهی دست بکشند.

طالب خوب وبد وطالب طرفدارجنگ وطرفدارصلح ازساخته های ماست، فلهذا هرگونه مذاکرهٔ مستقیم یاغیرمستقیم باآنها سودی ندارد. آنها نه برادران ناراض کرزی ونه برادران احمدزی ونه مخالفین سیاسی کشور ونه افغان اند، آنها هویت اصلی شان رااز دست داده اند، پاسپورتهای پاکستانی دارندو پاکستانی اند.

پایانش اینکه اوضاع کشور مانهایت بی سروسامان است، دریک موقف نهایت حساس ومبهمی قرارداریم . دستهای نامرئی مختلفی ما رابرای اهداف سیاسی شان اینطرف وآنطرف میکشاند. مخالفتهای سران دولت شدیداً باعث عدم اجرا وحتی رکود بسا امورشده و مردم سخت ازآن ناراض ومتضرر شده اند. وبه این قسم دولت اعتماد وهمکاری مردم راکه رکن مهم موفقیت حکومت دربهبود اوضاع کشوراست، ازدست داده وحتی به مخالفتهای عریان آنها مواجه شده، که حکایت ازیک آیندهٔ ناقرار وناخوشآیند می کند .

برعبدالله واحمدزی است که برای استقرار وتمامیت کشوروبقای نظامی که درصورت متلاشی شدن آن، خود آنهانیز ازبین خواهند رفت، هرگونه مخالفت های شخصی وقومی وسمتی راکناربگذارند، و تادیرنشده، کشور شانرا ازین معضلات و نابسامانی ها نجات بدهند ./

****

(دزدان در دولت) دنباله ازصفحهٔ دوم

این کاربه نوبهٔ خود افراطگرایی مذهبی، دهشت افگنی و شورش وطغیان را ایجاد میکند.

به نظرنویسنده، تحکیم تماس وگوش دادن به خواستها وشکایات مردم دربقای یک رژیم نقش کلیدی دارد. موصوفه ازنظام الملک نقل قول میکند که میگوید زمامداریاید بدون مداخلهٔ شخص وسط، بامردم مستقیماً درتماس باشد اگرمی خواهد به زمامداری خود ادامه دهد. به ارتباط این موضوع نویسنده میگوید که درافغانستان درزمان حکومت کرزی والیهاوقوماندانان مانع آن میشدند که رهبران دولتی وخارجی باریش سفیدان اقوام وقبایل صحبت کنند، تاازمشکلات آنان آگاه شوند. نتیجه آن شدکه به صدای اکثریت مردم(۸۰٪) وقعی داده نشد. تأسف آور اینکه آن مامورین دولت که بااعمال خود رابطهٔ حکومت ومردم را زهرآلود کرده بودند، مورد تقدیر و توجهٔ استخبارات غرب قرارگرفتند. (صفحهٔ ۴۸)

دولت فقط به صدای کارمندان دولت (۱۰٪) وطالبان (۱۰٪) گوش میداد واز اینکه والی هاوقوماندانها چه مظالمی درحق مردم روا می داشتند، آگاهی نداشت. طورمثال طالبان بعدازسقوط رژیم آنها از جنگ دست کشیدند وبه خانه های خودبرگشتند. اما ولی کرزی و دیگردولتمردان حریفان خود که درقبیلهٔ مختلف بودند، به انواع مختلف اذیت وزندانی وحتی کشتند. این امرطالبان را مجبور ساخت که دوباره به جبهه های جنگ ازپاکستان بروند ودرمقابل حکومت کرزی وعساکرخارجی درافغانستان واردجنگ شوند .

مولف همچنان دربارهٔ متوجه ساختن جامعهٔ بین المللی به تهدید و عواقب فساد دردستگاه دولتی افغانستان بحث میکندومیگوید منبع اصلی نارضایتی مردم و دهشت افگنی درکشور فساد اداری میباشد که بیدادمیکند. رضایت مردم رانمی توان باپول خرید، اکثراین پول هارا دولتمردان می دزدند ومردم عوام ازآن چندان بهره مند نمی شوند. لهذا لازم است فساد ازبین برود وحکومتداری خوب ایجاد شود. اما جامعهٔ بین المللی بدحکومتی وفساد راتشویق وحمایت می کند. بقول عبدالرحمن یکی ازدهشت افگنان، که دراثر حملهٔ یک طیارهٔ بی سرنشین درسال ۲۰۱۱ کشته شد، علت عمدهٔ حملهٔ نهم سپتمبر درنیویارک و واشنگتن این بودکه غرب ازدزدسالاری در کشورهای عربی حمایت میکرد.

مولف از امام غزالی نقل قول میکند که درکتاب خویش باعنوان (مشوره با شاهان) میگوید بدحکومتی به بی امنیتی دریک جامعه منجر میگردد. اکنون ثابت شده که دلیل عمدهٔ بی عدالتی اقتصادی، فساد ومظالم سیاسی وایجاد خلاء بین مردم ودولت همین رژیم های فاسد مثل حامدکرزی میباشند. (صفحهٔ ۱۸۲)

نویسنده میگوید دراول آیساف ووزارت خارجهٔ امریکا موافقت کردندکه باید برضد فساد درافغانستان اقدام شود. اماوقتیکه درانجام این کارجار وجنجالها ایجاد شد، پای خودرا پس کشیدند وگفتندکه مبارزه بافساد کارحکومت کرزی است. یکی ازین جنجالها رهایی ضیاصالحی بودکه باشواهد اخذ رشوه به زندان انداخته شد، اماکرزی صبح روزبعد امررهایی وی راصادرکرد. مثال دیگر همانا ابقای سیف الله قوماندان سرحدی بودکه دراثر اخذ رشوه برکنارشده بود. علت دیگرپس کشیدن از مبارزه بافساد درافغانستان، بقول نویسنده، ترس ازآن میرفت که مباداحکومت کرزی شرایط اخذ ویزه رابرای خارجیانی که به افغانستان می آمدند، وضع کند. بالاخره دلیل دیگر ناکامی پروژهٔ مبارزه بافساد درکشور، حمایت استخبارات خارجی خاصتاً سازمان سیا ازدولتمردان فاسد درحکومت کرزی بود، چه اکثر آنهاروابط تنگاتنگ داشت ونمی خواست با زندانی شدن آنهااسمای شان افشاء شود(صفحهٔ ۱۵۱)، نویسنده از افشای نام این دولتمردان فاسد خودداری میکند.

مولف کتاب همچنان پیشنهاداتی درزمینهٔ مبارزه با فساد ارائه میکند به سازمان های استخباراتی بین المللی توصیه میکندکه ساختار و عملیات شبکه های دزد سالاری را مطالعه کرده وتهدیدات ناشی از آنرا معین سازند. ازجامعهٔ بین المللی میخواهدبامردم عوام بدون حضورمنسوبین دولتی درتماس شده وبه شکایات آنهاگوش فرادهند ازدادن ویزه برای دزدسالاران دولتی برای سفربه کشورهای غربی اباء ورزند، وحسابات بانکی این نوع دولتمردان رادرخارج منجمد سازند. اما تجربهٔ نویسه نشان میدهدکه دیپلوماتهای ارشد ایالات متحدهٔ امریکا به این عقیده میباشند که نباید درمقابل فساد درکشور میزبان عکس العمل نشان داد. آنها میکوشند که بطورعنعنوی با مامورین آن مناسبات خوب داشته باشند.

نویسندهٔ کتاب، طوریکه گفته آمد، از دزدسالاران به استثنای حامد کرزی، برادرش ولی کرزی، حنیف اتمر، داوود داوود وچندتنی محدود دیگر نام نمی گیرد. دربارهٔ حامدکرزی میگویدوی ملیونها دالر سیا را شخصاً به کرزی داده است، امااز پولهاییکه دولت اسلامی ایران به کرزی داده است، چیزی نمیگوید. بقول نویسنده کرزی به هیچکس درافغانستان پول نداده که به قدرت باقی بماند، برعکس وی از زیردستان وشرکتهای خارجی رشوه اخذکرده است. برای اینکه مثالی بزند میگوید که کرزی رابراین عادت بودکه یک شخص مفسد را بافاسد دیگر که بیشتر رشوه میداد، مقررکند (صفحهٔ ۵۶) مولف اظهارمیداردکه حامد کرزی از زیردستانی که در اخذ رشوه گیرمی آمدند، حمایت کامل میکرد. مثلاً ضیا صالحی که ازگماشتگان نزدیک کرزی بود، ودراخذرشوهٔ بیست هزار دالری با اسناد گرفتار وبعداز مشورهٔ رئیس جمهور به زندان انداخته شد، اما صبح روزدیگر به امرکرزی از زندان رهاگردید. کرزی با سازمان سیا ارتباط نزدیک داشت، چنانچه بارئیس سیا دوبه دو وبدون حضور اشخاص دیگر درارگ جمهوری ملاقات میکرد .

دربارهٔ ولی کرزی، برادرحامدکرزی، میگویدکه وی درجنوب افغانستان همه کاره بود، مردم رادرچوکیهای کلیدی مقررمیکرد، زمین های دولتی راغصب میکرد، مردم رابرای گرفتن پول زندانی میساخت، شبکهٔ بزرگ قاچاق مواد مخدر را دردست داشت وازقوای بین المللی به مثابهٔ حربه علیه حریفان استفاده میکرد. باشندگان قندهار، اروزگان وهیرمند ازوی نفرت داشتند. ولی کرزی از سالها قبل معاشخور سازمان سیا بود. نویسنده میگوید یک شب درسال ۲۰۰۳ دیدم که صاحب منصبان امریکایی بندل های نوت صددالری راکه دربین زر ورقی پیچانیده شده بود، دریک محفل به اوتسلیم کردند.

بقول مولف کتاب، هنگامی که حنیف اتمر وزیرداخله بود، درسال ۲۰۰۹ فوماندان قوای سرحدی به اسم سیف الله دراخذ رشوه گیر آمد وازکار برطرف شد، وعوض او قوماندان حکیم انگار به این وظیفه مقرر گردید. قوماندان انگار درحالیکه بسته های گل ومکتوب تقررخود به عوض سیف الله دردست داشت ودرطیارهٔ که بطرف قندهارحرکت میکرد، آماده پرواز بود، معاون اتمر به وی تلفون زد وگفت تقررش بعوض سیف الله به تعویق افتاد. برای حفاظت از سیف الله، حنیف اتمر بعدازمذاکره با کرزی، ویرا دوباره به وظیفهٔ سابقه اش مقرر کرد .[حنیف اتمر عادت داردکه دراسنادی که مسئولیت رامشخصاً بر دوشش بگذارد، امضا نمی کند، اما سند همکاری ستراتژیک با امریکا راخود امضانمود]، ودربارهٔ داوود داوود که دررژیم حامدکرزی معین مبارزه بامواد مخدر دروزارت داخله بود، وبعداً دریک حملهٔ انتحاری ازبین رفت، میگویدکه (داوود داوودازبزرگترین قاچاقبران موادمخدر درافغانستان بود.) (صفحهٔ ۶۴)

آنچه راتاحال مطالعه کردید، فشردهٔ یافته های کتاب (دزدان در دولت) بودکه ارائه شد. اما سئوال مهم این است که آیا دزدسالاری درافغانستان بعدازحامد کرزی نیز ادامه می یابد یاخیر؟ جواب این سئوال نشان میدهدکه اگر دزد سالاری ادامه یابد، جنگ نیزدر افغانستان ادامه خواهد یافت.

این کتاب قبل ازایجاد حکومت وحدت ملی تألیف گردیده و از اشرف غنی احمدزی وعبدالله درآن خبری نیست، اما قدمهای راکه حکومت وحدت ملی تاکنون برداشته است به ارتباط محو دزد سالاری درکشور امیدوارکننده نیست. دوسیهٔ کابل بانک هنوز مراحل قانونی خودرا طی نکرده وچنان معلوم میشود که حفظ شده باشد. چه برادرقسیم فهیم معاون اول ریاست جمهوری کرزی و محمودکرزی برادرحامد کرزی هنوزپولهایی راکه دزدیده اند، به کابل بانک مستردنکرده وآزاد گشت وگذارمیکنند. ازدوسیه های اختلاس صدهامليون دالر درقراردادهای وزارت دفاع حرفی شنیده نمی شود، مثلی که دوسیه حفظ شده باشد. ازطرف دیگر حنیف اتمر و عمرزاخیلوال بالترتیب مشاورامنیت ملی ومشاورمالی غنی احمدزی مقررشده اند وبعداز رئیس جمهور شایداین دو شخص با قدرت ترین مردم درحکومت احمدزی باشند. این دوچنان شهرت نیک ندارند. عمرزاخیلوال دردورهٔ حامدکرزی درولسی جرگه خواسته شد وبه وی ازاختلاسش از عوایدگمرکات وغیره پرسش شد، اما او به وکلاگفت که بعضی ازشمانیز دراختلاس وتقلب شهم دارید، مثلا واردکردن موترهای قیمتی به کشوربدون پرداخت محصول گمرکی و... بعبارت دیگر، عوض آنکه زاخیلوال به محکمه کشانیده میشد، بحیث مشاورارشد غنی احمدزی عزتقرر حاصل کرد .

یک دلیل دیگرشاید این باشدکه وزرای اسبق مالیه به ملیونها دالر در مبارزات انتخاباتی کرزی مصرف کرده اندکه دراثرآن به نفع غنی احمدزی تقلبات گسترده صورت گرفته میگویندا کثر این پولها از جیب شخص زاخیلوال نبوده، بلکه ازعواید گمرکی یاخزانهٔ دولت مصرف شده است. ازطرف دیگرازرسانه هابرمی آید که کرزی بااحمدزی تماس نزدیک دارد و از وی مشوره میگیرد، خداکنداین مشوره هابه غنی احمدزی به ارتباط ادامهٔ دزدسالاری درکشور نباشد.

خلاصهٔ کلام که آنچه راکه تاکنون حکومت غنی احمدزی به ارتباط ازبین بردن فساد انجام داده، نشان میدهدکه متأسفانه همان آش است وهمان کاسه، تنها نام تغییرکرده است. /

****

رزمجویان امریکایی ... (دنباله ازصفحهٔ سوم)

خودو آنچه باید باقوای خودرافغانستان انجام دهم، آگاه میباشم. چنانچه شما میدانید جنگ ومبارزه، مسایل خیلی مغلق میباشند، این موضوعات برای من مسایل سیاه وسفید نمی باشد.)

عملیات درجریان پاشان سازی قوای امنیتی درساحات ناآرام افغانستان، در حالی ادامه داردکه طالبان بصورت مستمرپیشرفت می کنند. شمارزیاد سربازان ارتش ملی وپلیس درطول سال پیش توسط یاغیان به قتل رسانیده شدند. درسه ماه اول امسال(۲۰۱۵) حالت بسیار ناگوار معلوم میشود، تلفات درمقایسه با تلفات سه ماه اول سال پار بیش از ۵۴٪افزایش یافته است. اوضاع پرخطر را واقعات روز های اخیرولایت قندز که حکومت رامجبور ساخت هزاران سرباز کمکی رابدانجا اعزام کند، تاحملات بزرگ طالبان راعقب بزنند، بر جسته تر نمود. باآنکه یکی ازولسوالیها موردتهدید قرارداشت، طالبان قادرشدندتا چند کیلومتری شهرقندزخودرا برسانند. قوای ائتلاف طیارات جت رابرای نشان دادن قدرت به ساحه فرستاد ولی به حمله نپرداختند. درچنان حال واحوال نظامیان امریکایی میل بودند بگذارند جنگ ادامه یابد، و استدلال مینمایند تهدید طالبان در تغییر عوامل منطقوی، درگیری شان درجنگ یک امرلازمی میباشد.

درماه مارچ وقتاکه آقایان اوباما و غنی اعلان کردندکه موافقت کرده اند جریان خروج قوای امریکا ازافغانستان کند ساخته شود، مامورین حکومت امریکا بااصرار بیان داشتندکه مقابله بادهشت افگنی وتروریسم وموضوع آموزش افسران هنوز هم مورد توجه بوده وهرروز علیه طالبان مبارزه جریان دارد. مفکورهٔ تمدید زمان خروج قوا قابلیت جنگی مستقلانهٔ اردوی افغانستان را افزایش میدهد.

به اعتقاد مامورین امریکا، اکنون فاصله میان بیانات حکومت امریکا وآنچه نظامیان به ارادهٔ خود ویابه دستورقصر سفید انجام می دهند، در حال وسعت یافتن میباشد. جنرال کمبل اظهارداشت: (چیزیکه من ازآن سپاسگزارم، آنست که من دراتخاذ تصامیم مشکل، دارای صلاحیت قابل انعطاف میباشم، باوجودی که شاید آنها.حکومت) توقع داشته باشند که دراجرای هر امرمهم اجازه بگیرم.) تشریح وظیفهٔ ما درافغانستان وحملات هوایی امریکا دارای تاریخ پراز ناملایمات می باشد. شمارتلفات زیاد مردم ملکی درین حملات، سبب ایجاد تشنج میان امریکا ومامورین ومردم افغانستان شده وبه همین خاطردرسال های اخیرحملات کاهش یافته تا ازخطرجلوگیری گردد .

مقامات امریکا ادعامیکنندکه حملات درون زیرکنترول بوده وخیلی دقیق میباشند، ولی درحقیقت حملات طیاره های درون خالی از مشکلات نبوده است. هفتهٔ پیش خبری پخش شدکه دراثریک حملهٔ درون، یک امریکایی ویک ایتالیایی که گروگاه القاعده درپاکستان بودند، کشته شدند.

جنرال کمبل ازحمایت قوی آقای غنی برخوردار میباشد. بعضی ها رابطه میان جنرال کمبل وغنی رابصورت چشمگیری نزدیک میدانند وآنرا مشارکت میپندارند. جنرال تقریباً هرروز آقای غنی را می بیند که بیشتراز دیدار هرغربی دیگر باوی میباشد. به همکاران نزدیک کمبل وظیفه داده شد که نه تنهادرنوشتن پالیسی ارتش افغانستان کمک بدارند، بلکه درتطبیق ستراتژی سرتاسری، در حالیکه تمام امورجنگ دراختیار افغانها میباشد، یاری برسانند. آقای غنی که تا کنون وزیردفاع راتعیین نکرده است، دربسیاری موارد درامور جنگ ازجنرال کمبل استفاده مینماید. بسیاری ازکارمندان غربی بصورت خصوصی نارضایتی خودرا برنقش امریکاییها ابرازمیدارندو سئوال میکنند که چنان طولانی ساختن ستراتژی امریکادرافغانستان، امسال به مقایسه باسیزده سال گذشته موثرتر بوده میتواند. یکی از دیپلوماتهای غربی که درکابل زندگی میکند، گفت من متعجب نیستم که آنها همین طورادامه میدهند، چیزی که مراحیرت زده میسازد، آنست که آنان تاچه اندازه آنرا انجام داده می توانند .)

اکثریت حملات راکه مامورین تشریح کرده اند، دلیل مشخص حفاظت از قوای ویا شکاردهشت افگنان، نداشته است، یکی آن حمله برکنر بودکه دونفر خردسال رازخمی نمود. حملهٔ دیگر در غزنی بودکه چندین طالب عادی را کشت. درماه فبروری یک رهبر ناراضی طالبان بنام ملا خادم دراثرحملهٔ یک طیارهٔ درون درولایت هیرمند کشته شد. باوجودیکه ملا خادم وفاداری خودرا به دولت اسلامی اعلان کرده بود، شواهدی دردست نیست که اوبه عملیات پرداخته باشد ویاحتا برنامهٔ عملیات را درسرپرورانیده باشد .

وقتاکه ازامریکاییها خواسته شدتا حمله راتوجیه نمایند، یک نظامی امریکایی نگفت که حمله برهدف ضددهشت افگنی و تروریسم صورت گرفت، بلکه بیان کردکه حمله بخاطرحفاظت قوا عملی شد، درحالیکه درآنجا ازسالهابدین سوقوای امریکاوجود ندارد، دلیل حمله ازجنرال کمبل سئوال شد، وی باطرح یک سئوال واکنش نشان داد: (شما میدانید ملاخادم دردهن خودچه داشت؟)

مقامات نظامی گفتندکه به آنهاصلاحیت داده شده که آموزگاران قوای خاص رابخاطرآموزش وتربیهٔ قوای زمینی بگمارند، امااجازه داده نشده که با قوای افغانستان تاهدف پیش روند، ولی آن محدودیت هادرساحات جنگ در نظرگرفته نمیشود. بصورت مثال، درهمین ماه (اپریل) یک سربازقوای خاص امریکا هنگام دادن مشوره به قوای کوماندو که مصروف عملیات بضد طالبان بودند، درلوگرهدف قرارگرفت، مرمی به زره بدنش اصابت کردوزنده ماند.

وقتیکه موضوع گسترش دوبارهٔ نقش جنگی امریکادرافغانستان مورد سئوال قرارداده شد، مامورین امریکابشدت آن ادعا را ردنمودند. یکی ازچنان موضوعات درماه نومبرصورت گرفت که سخنگوی قصرسفید تلاش کرد گزارشی راکه درروزنامهٔ نیویارک تایمزبه نشر رسیده بود، فاقداعتبار نشان دهد. درگزارش آمده بودکه اوباما خاموشانه اجازه داده نقش جنگی قوای امریکادر سال۲۰۱۵ توسعه داده شود. اوگفت که قوای امریکا درعملیات ویژه که افراد طالبان راهدف قرارمیدهد، اشتراک نمی ورزند، واخطار دادکه موقف جنگی قوای امریکابرای حفاظت سربازان امریکا درافغانستان وعلیه دهشت افگنان القاعده وگروههای همانند ادامه دارد.

باآنهم بروزیکشنبه۲۶ اپریل یک سخنگوی شورای امنیت ملی با انتشاریک بیانیه از امکان حمایت جنگی محدودقوای امریکا ازقوای افغانستان برای جلوگیری از زیان ستراتژیک به قوای افغانستان اطلاع داد . /

****

دست رئیس جمهوری (دنباله ازصفحهٔ چهارم)

خیزش مردمی و کمپاین نمایندگان: در نشست سه روزه ایکه اخیرا در بدخشان برای کمپین تشکیل یک خیزش مردمی در بدخشان دایر شده به قول شرق بیش از ۲۰۰۰ تن از منتقدان و سران قومی از سراسر بدخشان به ابتکار نمایندگان بدخشان گیرد هم آمدند و از خیزش مردمی حمایت کردند . ولی هنوز پاسخی از حکومت مرکزی در این خواست مردم (دنباله درصفحهٔ ۷)

بازگشت همه به سوی اوست

شادروان سیدمحمدآصف آقا

ـ درشمارهٔ پیش پیام تسلیت وشرح کوتاهی ازسوانح مرحوم مغفور جناب محترم سید محمدآصف آقا، سابق سکرتر سفارت افغانستان در پولند، را که توسط همکارارجمندجناب صفی الله التزام ارسال شده بود، به نشر رسانیدیم.

ضمن اتحاف دعا به روح آن بزرگوار وعرض تسلیت به خانوادهٔ محترم و وبستگان آن مرحوم، اینک عکس شادروان آقاصاحب را نیز درج می نماییم. امید

****

سیدآقا هنری هامبورگ ـ آلمان

آیا داؤودخان وطن مارا دوست داشت ؟

بزرگوارغلام احمدعمید مستوفی ولایت کابل برایم گفت، دانشمند محترم شخصیتی ادبی وعرفانی گل پادشاه الفت به هری باستان دیدن دوستان ورفقای هم قلم خویش آمده بود دیداری ازاثارباستانی بی مانند شهر کرد درزیریکی ازمنارها جوی آب قسمی روان بود که تهداب مینار راتهدیدبه غلتیدن می کرد، موضوع راجهت اگاهی مسئولین طی مضمونی به روزنامهٔ اتفاق اسلام نوشت، فردای آنروز الفت صاحب را به امر والی هرات زولانه در پایش بادست بند های آهنین دردستش تحت الحفظ ازهرات خارج وبه کابل اعزامش کردند. چندی بعد همان مینارغلتید.

چند فابریکهٔ ودستگاه های که دردوران نادرخان وهاشم خان مثل فابریکهٔ تولید شکردربغلان، کتان بافی درجبل سراج، سمنت پل خمری، کانسرومیوه درقندهار، و.... به کارافتاد همه اش درایام حکومت وسفرغازی امان الله خان ازاروپا خریداری وپلان شده بود که به وطن میرسید همچنان تعدادزیادی سلاح حربی که خریداری و دربندر کراچی توقیف شده بود، بعدا برای نادرخان تسلیم داده شد.

دریک روزی جمعه هاشم خان باسواری موترشهر کابل را چکر می زد درپل سوخته تعمیری رادیده بود که کارش به سرتاق رسیده، پرسیده بود مالک این خانه کیست درجواب شنیده بود ازوزیر صاحب اقتصادزابلی ،امر کرده بود که کارش را معطل کند، آنقدر معطل شد که تا دیوارهایش درهم ریخت.

باری عبدالمجید زابلی وزیراقتصاد، کارکرد حکومات شاه محمود وهاشم خان را درحضورداشت شان به باد انتقادگرفت، وقتی داؤود صدراعظم شد دگر وی در کابینه جای نداشت.

در روز ۹ می ۱۹۴۶شاه محمود بالای هاشم کودتاکرد، هاشم خان می خواست مقاومت کند برایش فهمانده شد که اطرافت محاصره است مقاومت فائده ندارد، در کابینهٔ شاه محمودخان داؤود سمت وزارت دفاع، سرپرست وزارت داخله، ریاست مستقل قبایل، ومخابرات؛ را عهده دارشد، امادیری نگذشت که ناسازگارشدند وداؤود رادر۱۹۴۸ بحیث سفیر کبیردرفرانسه فرستاد، وی یکسال بعد برگشت و۳ سال خانه نشین بود، عبدالمجید زابلی که درقسمت بانکداری، تنویرشهر هاواقتصادخدمات خوبی کرده بود هم باشاه محمودخان ناسازگارشد استعفاء داد به خارج سفر کرد وبرنگشت.

داؤدخان دررأس هیئتی ۱۹۵۳ درمراسم خاکسپاری جوزف استالین، به مسکورفته بود وشاه محمود خان حتما ازاین که برادرزاده اش درهمین وقت باروسها سرسازگاری نشان داده بود، بیخبرمی ماند. درهمین سال۱۹۵۳ ۹.۶ داؤد خان باموافقهٔ شاه ظاهربالای عمش کودتامیکند، خودش چوکی صدارت، وزارت داخله، وزارت دفاع، وریاست قبایل؛ وبرادرش نعیم خان وزارت خارجه راغصب میکنند. درحالیکه شاه محمودمصروف بازی بلیارد میباشدخبر کودتارا از رادیو می شنود.

جنرال محمدنذیرسراج در ص ۴۰ می نویسد، کسانیکه به دیدن وی می امدند میگفت من استعفا نداده ام موقوف شده ام. دوروز پیشتر خبرنگاری ازشاه محمود خان ازآوازهٔ استعفایش می پرسد، وی درجواب این بیت حافظ را میگوید.

تا دامن کفن، نکشم زیرپای خاک باورمدار، که دست زدامن بدارمت

بقول غلام احمد نوید مامورعالیرتبهٔ وزارت خارجه ومردمورداعتماد سردار نعیم خان (کتاب غلام حضرت کوشان ص ۱۱) ازربان یکی از مؤظفین در هوتل زرسپید (سپین زر)می گوید، شاه محمودخان درپل خمری به امرداؤدخان زهر داده شد وبعداجنازه اش به کابل انتقال یافت.

داؤود اول درمکتب امانیه بعدتا صنف هشتم درپاریس درس خواند و در کابل شامل مکتب پیاده نظام عسکری شد، بعدختم مکتب درسن ۲۳ سالگی وی رتبهٔ جنرالی میگیرد، ونائب الحکومهٔ وقوماندان فرقهٔ مشرقی میشود. روزی دهقانی نزد وی امده شکایت ازخر همسایه اش میکندکه تمام سبزه های کشت اورا خورده، سردارحکم حلق آویزان خرمظلوم رامیدهد، که درچارراهی، باید عملی شود، بعدازان، وی به داؤود دیوانه مشهورمیشود. مدتی نائب الحکومهٔ وقوماندان عسکری قول اردوی قندهارو ولایت فراه میشود، که شورش مردم قندهاررا نسبت روی لچی خانم ها به زورتانک وکشتن هزارها نفرسرکوب می کند.

دوست گرانمایه ام محمدطاهاکوشان برایم قصه کرد : شهزادهٔ سرخ دروقت صدارتش امر کرده بود مرکبی که بارداشته باشد مالک ان نبایدبالای بارنشیند، اتفاقاروزی درنزدیک پل محمودخان سه رأس مرکبی که رشقه بارداشت صاحبان ان بالای باربود با لیونی سردارسر می خورد امرمیکند موترش توقف کند، وراکبین که داؤد خان را می بینند به سه جهت می گریزند وداؤد درعقب یکی شان، درزیرپل وی را گیرمی کند وبازویش راچک می زند، مرد بی چاره که توان درد را نمیتواند کشید چیغ می زند که: ناموته داؤد دیونه موندی آدم موخری، داؤود برمیگردد به موترش ازعبداللطیف غندمشرسریاورخود میپرسد لطیف خان من دیوانه هستم ؟ نی کی میگوید خدانکند صاحب، داؤودمیگوید اونه هزارهٔ پدرلعنت مرا می گوید نامیته داؤد دیوانه موندی آدم موخری.

قرارگفتهٔ غلام مصطفی رسولی داماد میوندوال، وقتی شهید میوندوال باداؤود می بیند، اظهارهمکاری میکند، داؤود درصحبتش بامیوندوال میگوید به دیدن من اشخاصی می ایند که دلم می خواهد رویش را بخورم. درقندهاراگرطفلی به خواب نمی رفت مادرش میگفت، خوب شه که نه لیونی داؤد رازی.

(درکتاب اسنادلائهٔ جاسوسی جلداول (ص)۳۱ / ۳۲امده در ۱۹۷۰ یک مقام دولتی افغان فاش کرد، که داؤود بطورخصوصی گفته، فسادوفساداخلاقی وبی اعتمادی درمیان اعضای خانوادسلطنتی بی حدشده وشاه ارتش مملکت را تباه می کند./ (دنباله دارد)

شادروان سیداسماعیل بلخی

درد مشترک

چه ابتلاست که در هر بلاد می نگرم نزاع مذهب وجنگ نژادمی نگرم
بنام صلح به اسباب جنگ میکوشند زبهر تفرقه، در اتحاد می نگرم
نوای عدل به هرنای، لیک وقت عمل خلاف مصلح وعدل وداد می نگرم
مگرنه جمله ازیک نسل پاک باباییم ترابه محنت خود ازچه شاد مینگرم
به عیب خودنگشودیم چشم وهرکس را به عیب جامعه درانتقادمینگرم
بروی سفرهٔ قسمت بدورهم جمعیم برای لقمهٔ ربودن عناد مینگرم
بهانه چندنماییم به بی سوادی خلق تمام مفسده در باسواد مینگرم
بیا بیا همه اعضای یک بدن باشیم امورجمله به وفق مراد مینگرم
به رغم شیخ اگروحدتی پدیدآریم متاع شیعه وسنی کساد مینگرم
میان من وتوصد دردمشترک باقیست ترابه خودزچه بی اعتماد مینگرم
دل شکستهٔ مظلوم، بلخیا بدست آور بنای ظلم سراسربه باد مینگرم

ارسالی داکترمحمداعظم افضلی، ازشهرفریمونت کالیفورنیا

(اداره: ازدوستان ارجمندی که اشعاری بااقتباس ازاصل را بقلم آورده وجهت نشرمی فرستند، یا بیت و ابیاتی را بصورت مثال و توضیح نقل میکنند، تمنا دارد تا دربازنویسی ابیات دقت کامل بفرمایند.)

****

آگـــاهـــی !

جلداول ودوم کتاب افغانستان درمسیر تاریخ نوشتهٔ شادروان میرغلام محمدغبار، که اولین تاریخ علمی و واقعی مردم مظلوم ومبارز افغانستان میباشد، اکنون اززبان فارسی دری به زبان پشتو توسط محترم پوهاند محمدبشیر دودوال ترجمه شده وبنگاه انتشارات میوندآنرا دریک مجلد در کابل بطبع رسانیده است .

حشمت خلیل غبار(فرزندشادروان میرغلام محمد غبار دارنده حق قانونی چاپ وترجمه وتکثیرهردوجلداین کتاب)

****

داکترعبدالله و اشرف غنی ... (دنباله ازصفحهٔ پنجم)

افغانستان راکافرمیدانند. اشرف غنی راکافر میدانند، کرزی را کافر می دانند که چرا شما پایگاه را به امریکا دادید! حالا پایگاهی که در قطر داده تو چرا قطر را قبول داری؟ در قطر ۴۵هزار سرباز خارجی هست؛ ما که این خارجیهارا نیاوردیم، اینها خودشان آمده اند؛ درحالی که روی نیاز جنگهای داخلی مجبور هستیم که امروز با جامعه جهانی همکاری کنیم. قطر داوطلبانه انگلیس را در خاک خود جای داده؛ طالبان، قطر را هم بعنوان مسلمان قبول دارد و هم بعنوان میانجی و هم خانه خود را در آنجا ساخته؛ آن انگلیس که در قطر است با این انگلیس چه فرق دارد؟ آن پایگاه با این پایگاه چه تفاوت دارد؟ حالا چون مردم ما بیسواد هستند و فقیر هستند، طالبان با شعارهای دینی، مردم را شکار می کنند. چیزی که امروزبرای داعش زمینه سربازگیری رامساعد ساخته، فقر و بیکاری و بیچارگی مردم است. نسل جوان ما بیکار است، ظرفیت در وزارتخانه ها نیست، پذیرش نسل جوان وجود ندارد، داعش فعلاً با پول و ثروتی که از دنیای عرب است (گویا به ضد ایران) این پول عرب ها در اینجا مصرف میشود و داعش سربازگیری میکند.

س : به نظر شما داعش در افغانستان زمینه رشد دارد؟

پیمان: فکرمیکنم که هرکسی باپول بیاید، زمینه رشد دارد. مردم فقیر هستند، به نحوی مردم را میکشانند به داعش؛ مردم روزگار ندارند، داعش مثل طالب (امکانات) ندارد ولی می بینیم امروز که داعش آمده، حتی ملاعمر هم صدای خود را بلند نمی کند. افراد طالب را داعش سر برید و ملاعمر را جاهل خواند، طالب چرا خاموش است؟ خاموشی طالب بخاطر این نیست که از داعش بترسد! بحث این است که چون عربها حمایتگر داعش هستند، مرکز اکمالات مالی طالب هم عرب ها هستند، بخاطر اینکه اختلاف این ها منجر به آزردگی عربها نشود، رهبران طالب بسیار با تضرع و عاجزانه عمل می کنند .

آقای کرزی باری گفت که طیاره های ناشناس جنگجویان را از شمال به جنوب منتقل میکنند؛ درین اواخر نیز همینطور، یک گمانه هایی مطرح شد که برخی ازحلقات در حکومت هستند که همین کار را انجام میدهند شما در این مورد، مستنداتی دارید؟

پیمان: مستند ندارم؛ ولی عقل حکم می کند که چیزی هست. قندز با پاکستان سرحد ندارد، طالبان با اکمالات لوجستیکی و تجهیزات و تسلیحات قوی در برابر اردوی منظم افغانستان شدیداً می جنگند، در هر شبانه روز که جنگ می شود اگر یک فیر از طرف اردو شود هزار فیر از طرف طالب صورت می گیرد. زخمی این ها در کجا مداوا میشود؟ کشته های این ها کجا میرود؟ سلاح را به این ها کی می دهد؟ کسانی که از جنگ تجربه دارند می فهمند که هشت ساعت جنگ چقدر هزینه دارد! به این لحاظ، باورمندی من این است که این کمک ها حقیقتاً مرموز است؛ اختلافی که ما با والی قندوز داریم فعلاً این است که بر دروازه ها کنترول ندارد، چرا پاسخ به مردم قندوز نمی دهد که اکمالات تسلیحاتی و لوجستیکی طالب به این پیمانه از کجا وارد میشود؟ این سئوال برانگیز است.

س : عده ای از مجاهدین معتقد هستند که راه حل مقابله با داعش و طالب، این است که اتحادی از مجاهدین شکل بگیرد؛ شما بعنوان یک مجاهد برای حل معضلات امنیتی در شمال، چه راه حلی پیشنهاد می کنید؟

پیمان: فکر میکنم که راه حل همین است؛ طوری که ایران ارتش دارد، در پهلویش بسیج و سپاه دارد. مجاهدین را میشود از کنر، از قندهار، ازننگرهار وازسراسرافغانستان کسانیکه تجارب وسابقه خوب جهادی و شهرت خوب دارند اینها راتنظیم بکنند به هر نامی در حمایت از اردوی ملی و نیروهای امنیتی مان فعال بسازیم. در این صورت هم بچه ها از بی روزگاری خلاص میشوند، هم تعداد تلفات اردو کم میشود و هم در برابر دشمن یک قوت بسیار قوی از طرف دولت ایجاد میشود که در ریشه کن کردن دشمن نقش مؤثری خواهد داشت. (نقل ازخبرگزاری جمهور- کابل)

****

نامهٔ سرگشاده ... (دنباله ازصفحهٔ پنجم)

همان جایی که پشت از دشنهٔ خون ریز می دزدند
در آن شهری که مردانش همه لال و زنان کورند
همان شهری که بلبل , دم آواز می دزدند
در آن شهری که نفرت را به جای عشق می خواهند
همان جایی که نور از چشم و عقل از مغز می دزدند
در آن شهری که پروانه به جای شمع می سوزد
همان شهری که آتش را ز اشک شمع می دزدند
در آن شهری که زنده مرده و مرده بود زنده
همان جایی که روح از تن و تن از روح می دزدند
در آن شهری که کافر مومن و مومن شود کافر
همان جایی که مهر از جانماز باز می دزدند

(دنباله درصفحهٔ هشتم)

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر- یکسال(۹۰) دالر
کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر - یکسال (۱۱۰) دالر
سایرکشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر- یکسال (۱۳۰)دالر

Omaid Weekly
P.O. Box 30818
Alexandria, VA 22310
Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604
Email: mkqawi471@gmail.com

چطور امکان دارد ؟ (دنباله ازصفحهٔ سوم)

وهم بدانند که درین ماه مبارک رمضان دعا های نیم شب هرفامیل وطندوست و با ایمان افغان که قلبهای داغدیده دارند درعقب آنها بوده زمینهٔ نزول بلا های آسمانی و زمینی را برهرکدام این ملوثان مفلوک آسانتر میسازد. اینها که به اخلاق که اصل تعلیمات قرآنیست و آیات متبرکه ایمان ندارند بدعا های نیم شب مردم هم اعتنای ندارند تاکه عملاً نتیجهٔ آنرنچشند که انشاءالله چشیدنی اند.

حکومت افغانستان بداند که صبر و تحمل مردم به سر رسیده است بناء باید درمقابل طالبان که نه به قانون اساسی افغانستان احترام قایل اند و نه به ارشادات دین مبین اسلام بلکه اجنتهای پاکستانی اند که میخواهند افغانستان زیر یوغ نا بکاریهای آی اس آی گردن خم کند و سر تسلیم بزمین نهد. با چنین گروه دشمنان بلا شک مردم چگونه از راه صلح پیشآمد شده میتواند. این گروه نا مطلوب برزندگی غلامی بیشتربلدیت دارند نسبت به حیات مستقل وشرافت مندانه. وقت زیاد برایشان داده شد, ملیونها دالر بجیب هایشان فروریخت, افغانستان را بیک مملکت تولید کنندهٔ مواد مخدردر جهان معرفی نمودند که بازهم پول عاید آن بجیب پاکستانیها و آی اس آی میریزد, دیگر بس است!... دیگر بس است!!

اگرحکومت وحدت ملی قادر به دفع این معضلهٔ مردم افغانستان نیستند بگذارند کسانیکه ازعهدهٔ آن برآمدنیست قدعلم کنند و سزای سنگین به این دشمنان وطن وارد سازند. تا چه وقت منتظر بود که طالب حمله کند و باز دفاع صورت گیرد. محترمانه پیشنهاد میکنم که وقت آن رسیده که به طالب دوهفته مهلت داده شود که تسلیم شوند و اگر به این التیماتم جواب مثبت ندادند فقط یک راه تاکتیکی وجود دارد؛ که پالیده شوند و از بین برده شوند. و با این بیت از شعرمرحوم علامه پژواک که به جواب یک بیت بیدل سروده نوشتهٔ خودرا بدعای خلاصی مردم افغانستان ازشر دشمنان داخلی و خارجی آن و موفقیت اردو و ملیشهٔ ملی ما, پایان میبخشم:

(بیدل) از بوی خود است آخر شکست گل
بال مارا شوخی پرواز ما خواهد شکست

وپژواک میگوید: کشتی دشمن اگر خواهد خدا خواهد شکست
موج اگر نتوان شکستن نا خدا خواهد شکست

****

صفحاتی از یک زندگی ... (دنباله ازصفحهٔ چهارم)

عفریت مرگ ُچیره برآن کلبه بینوا شد.
فریاد برامد زیتیمان درآن ماتمکده ویران
وآن دژخیم تفنگدار در ان شام غریبان
بپا خاست و کمر بست پی کشتار دیگران !.

*****

جان داده بود تن رنجور ان مادر داغدار
زیر شیلک گلوله آدم کش غدار...
شب امد و سرد شد ان کلبه پر ظلمت وویران
نماند درآن خانه جز بوی باروت و تن لرزان یتیمان
نقش بست این حادثه ننگین
دریک فصل تاریخ حسرت باروطن
یادگار هجوم کوردلان
برمردم آزاده و داغدار وطن!

یک ابتکار ارزشمند مطبوعاتی ازطریق شبکهٔ انترنت

مدتی قبل آثار وتألیفات بانوی فرزانه وپژوهشگر وطن خانم ماریا داروغبار راکه درچهار کتاب پرمحتوا باعناوین (آوای ماندگارزنان)، (پابرهنه بازگشت)، (هنرمندان تاریخ سازتیاتر) و(چهره های جاویدان) برشتهٔ تحریرآمده است، دربخش (معرفی نشرات تازه) جریدهٔ مردمی امید به مطالعین گرامی معرفی نموده ام، اینک نویسنده ومولف پرکار، ماریاجان، دوکتاب متذکره راکه عبارت از چهره های جاویدان و هنرمندان تاریخ سازتیاترمیباشد، بخاطرموانع تخنیکی نشرآن به تعدادبیشتر درافغانستان، دست به یک ابتکارعام المنفعه زده وبا ادیت کامل کتابها درانترنت، بطورآسان ورایگان به دسترس علاقمندان قرارداده است. وی درتوضیح این اقدام مطبوعاتی چنین نوشته است:

کتاب های هنرمندان تاریخ ساز تیاتر و چهره های جاودان آنلین : اثر ماریا دارو هنرمندان تاریخ ساز تیاتر و چهره های جاودان کتاب هایست که در اثر تحقیقات زیاد طی چهارسال از آغاز تیاتر در افغانستان تا مسدود ساختن تمام ابعاد فرهنگی در زمان طالبان با معرفی هنرمندان تیاتر وچهره های ماندگار فرهنگی در رشته تحریر آورده شده است.

همچنان این کتابها ازتاسیس رادیوتلویزیون و معرفی موسسین آن صورتگران، شعراء، نویسندگان شهیر وموسیقی دانان کشورنیز سخن میگوید. کتابهای مذکور براساس اسناد وتحقیقات تاریخی دست داشته و مصاحبه ها و تماسهای مستقیم با آنعده فرهنگیان بدسترس نویسنده قرارگرفته، نوشته شده است.

درسال۲۰۱۳ میلادی تحریردوکتاب نویسنده »چهره های جاودن و هنرمندان تاریخ ساز ختم شد ودرجنوری سال۲۰۱۴ میلادی برای اولین باربتعداد محدود درکشور کانادا از بودجه شخصی مولف به طبع رسید و مورد توجه علاقمندان قرار گرفت .:دراثرتقاضای دوستان کتابهاجهت چاپ دوم درماه جنون سال ۲۰۱۴ به دسترس وزارت اطلاعات فرهنگ افغانستان گذاشته شد، تااز محتوای ان تمام مردم افغانستان مستفید گردند. محترم جلال نورانی که سمت مشاور ارشد وزارت اطلاعات وفرهنگ راداشتند، امرچاپ دوم این کتب رااز وزیر وقت جناب سیدمخدوم رهین اخذ وبه رئیس (انتشارات) بیهقی آقای معراج الدین محتاج سپرد. این پروسه مدت بیشترازیکسال رادربرگرفت وبه بهانه های مختلف ازچاپ آن با موجودیت امر وزیرشانه خالی نمودند. بناًتصمیم گرفتم که کتابها رادرانترنت دردسترس علاقمندان قراربدهم .اکنون در سایت انترنتی خودم بنام mariadaro.com وسایرسایتهای دوستان قرارداده شده که علاقه مندان میتوانندآنرا مطالعه دانلود و چاپ نمایند. اینهم لینک کتابهای »هنرمندان تاریخ ساز تیاتر و چهره های جاودان«هنرمندان تاریخ ساز تیاتر

www.scribd.com/doc/269906069/Maria-Daro-Theatre
چهره های جاودان-www.scribd.com/.../2699.../Maria-Daro-Chehrahaye-Jawedan

Omaid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 24, Issue No. 1000 , July 10, 2015, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
P.O. Box 30818, Alexandria, VA 22310 U.S.A.

Tel/fax:(703) 491-6321 Cell:571 435 4604
Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان وشاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه وخاطرات استادان و شاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه همراه باعکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاًهرچه زود ترشرح حال وسرگذشت وخاطرات خودرابه آدرس هفته نامهٔ امید ویا ایمیل ذیل تاآخرماه سپتمبر ۲۰۱۵ ارسال دارند.
تلفون ٤٦٠٤ـ٤٣٥ـ ٥٧١
mkqawi471@gmail.com
Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

کتاب (یادداشتهای استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری وآقای افضل ناصری،به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانندیک نسخهٔ آنراز مرجع ذیل بدست بیاورند :
Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, $19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

PHONE # (510) 792-2629 | BANK OF AMERICA | ACCT # 06636-74303

خانواده های فقیر و بی پناه در افغانستان چشم براه کمک های شما هستند.

PANAH CHARITY FOUNDATION

PANAH CHARITY
P.O.BOX 3131
SAN RAMON, CA 94583
www.panahcharity.org
rbenish@panahcharity.org
501c (3)

نخستین نامزد زن برای شورایعالی قضا ردشد

قاضی انیسه رسولی

۸جولای/کابل ـصدای امریکا: قانونگذاران افغان روز چهارشنبه به یگانه نامزدزن برای شورای عالی ستره محکمه رای اعتماد ندادند. در تاریخ افغانستان این نخستین بار است که یک زن به صفت عضو شورای عالی ستره محکمه معرفی می شود. انیسه رسولی ازجانب رئیس جمهور به صفت عضو شورای نه عضوعالی ستره محکمه معرفی شده بود، اقدامی که در نخستین لحظات سبب خشم محافظه کاران شده بود.

عبدالظاهرقدیر معاون ولسی جرگه پس از رایگیری سری نتایج را اعلان کرد: رای تایید ۸۸ رای رد ۸۳ رای باطل ۷ورای سفید ۱۴، نتیجه عدم تایید. قدیراز رئیس جمهور خواست تا نامزد دیگری را برای این پست معرفی کند.

درجلسهٔ امروز ۱۹۳وکیل حاضربود و خانم رسولی به برای کسب رای اعتماد به ۹۷رای تاییدنیاز داشت.

شکریه بارکزی در واکنش به این رای گیری گفت در حق خانم رسولی جفا شده است. او از رئیس جمهور خواست تا باز هم زن دیگری را برای این پست نامزد کند. به باورخانم بارکزی معرفی شدن خانم رسولی برای عضویت در شورای عالی ستره محکمه، نتیجهٔ تلاش ده سالهٔ فعالان حقوق زن در افغانستان بود. نامزد شدن انیسه رسولی برای عضویت در شورای عالی قضایی بخشی از تلاش های حکومت وحدت ملی برای توان بخشی و تقویت زنان است.

آقای غنی تا کنون چهار زن را به پست های وزارت و دو زن دیگر را به صفت والی در ولایت های غور و دایکندی گماشته است، اقدامی که از سوی مدافعان حقوق زنان استقبال شده است. رئیس جمهور غنی همچنان از وزیران کابینه خواسته تا درهر وزارت کم از کم یک معین زن را به کار بگمارند.

درجلسهٔ امروزولسی جرگه، سیدیوسف حلیم نامزد دیگربرای عضویت شورای عالی ستره محکمه وخلیل صدیق نامزدبرای ریاست بانک مرکزی توانستند رای اعتماد وکلا را کسب کنند.

۴۳مخالف مسلح با درون درننگرهارکشته شدند

۸جولای/جلال آبادـبی بی سی: حضرت حسین مشرقی‌وال، سخنگوی پلیس ولایت ننگرهارمیگویدعصردیروزدریک حمله هواپیما های بی‌سرنشین در ولسوالی اچین۱۸ مخالف مسلح کشته شدندودر رویداد دیگردر نتیجه چنین حمله درولسوالی هسکی مینی ۲۵مخالف مسلح کشته شدند. مقامات حکومتی در مورد وابستگی این افراد معلوماتی ندادند اما اهالی محل میگویندااین افراد وابسته به گروه دولت اسلامی هستند. دوروزپیش نیزدرنتیجه حملات هواپیما های بی سرنشین امریکایی درهمین ولایت، دست کم ۴۹جنگجو که خود را به گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) وفادار می‌دانستند، کشته شدند.

روزگذشته اداره امنیت ملی افغانستان اعلام کرد، فرد شماره دوم یا فرمانده جنگ گروه تروریستی داعش در ولایت خراسان، به اسم گل زمان، همراه با معاونش به اسم جهانیار و ۵نفر از افرادشان نیز در بین این ۴۹ کشته بودند.

امریکا ۲۰ فروند هواپیمای جنگی به افغانستان کمک می کند

۷جولای/کابل ـبی بی سی: وزارت دفاع افغانستان اعلام کرد امریکا تاپایان سال جاری میلادی ۲۰فروند هواپیمای جنگی در اختیار ارتش افغانستان قرار میدهد. دولت وزیری معاون سخنگوی وزارت دفاع افغانستان به بی‌بی‌سی گفت این هواپیماهامیتوانند تا حدودی نیازحمایت هوایی نیروهای زمینی ارتش را مرفوع سازد. این هواپیماها قادر به حمل بمب‌های سبک بوده و امکان نصب توپ و ماشیندار نیز در این نوع هواپیماها وجود دارد. این هواپیماها از نوع A ۲۹است که اکنون خلبانان افغان در امریکا مشغول یادگیری کار با این هواپیماها هستند.

اکنون ارتش ملی افغانستان فاقد تجهیزات کافی هوایی است. بیشتر راهدار های نظامی ازکارافتاده و تخریب شده علاوتاً جنگنده‌های این کشورنیزدر دوران سه دهه جنگ داخلی نابود شدند. قراراست نیرو های هوایی افغانستان دوباره سرپاایستادشود واکنون باحمایت امریکاوناتو این کشورصاحب ۲۶ هواپیمای C۲۰۸شده و دوهواپیمای حمل و نقل C ۱۳۰دارد.

هواپیماهای جنگی این کشورنیزمحدود است. به گفته دولت وزیری اکنون نیروهای ارتش صاحب ۶۰هلیکوپتر می ۱۷، ۱۱فروند می ۳۵و ۱۱فروند ام بی ۵۳۰دارد.

نیروهای ناتو نیز اکنون ۹۴فروند انواع هواپیما در افغانستان دارد که شامل C۲۰۸، MD ۵۳۰ می ۱۷، می ۳۵و C ۱۳۰هستند که از یک سال گذشته تا کنون در شمار آنها تغییر نیامده است .

هفتاد وپنج طالب مسلح کشته شدند

۸ جولای/کابل ـباختر: نیروهای اردوی ملی روزگذشته با اجرای چندین عملیات در ۱۴ ولایت ۷۵ طالب مسلح راکشتند. نیروهای اردوی ملی این عملیاتهارا درولایات کنر، لغمان، کاپیسا، میدان وردک، پکتیا، ارزگان، دایکندی، قندهار، فراه، بدخشان، تخار، کندز، هیرمند و نیمروز انجام دادند که درنتیجه آن ۳۱ طالب زخمی ونه تن این گروه گرفتارشده اند. درعملیات های متذکره نیز مقادیر سلاح ومهمات بدست آمده ویکتعداد ماین های مختلف النوع کشف وخنثی شده است .

طبق یک خبردیگر : ازاثرانداخت سلاح ثقیل مخالفان مسلح و انفجار ماین کنارجاده درنقاط مختلف کشورشش تن ازمنسوبان اردوی ملی شهید شده اند .

امید را برای دوستان تان اشتراک کنید. مطمئن باشید ازشما ممنون می شوند .

حضوراقای نوربرای ثبات شمال محسوس است

۸جولای/کابل ـصدای امریکا: عطامحمد نورسرپرست ولایت بلخ امروز ریاست جمهوری افغانستان را به عدم پابندی به متن توافقنامهٔ تشکیل حکومت وحدت ملی متهم کرد وگفت ادامهٔ این وضعیت قابل تحمل نیست. اوبه مورد خاصی اشاره نکرد، اما به گفتهٔ مجیب الرحمان رحیمی سخنگوی ریاست اجرائیهٔ حکومت، آقای نور تلویحاً درموردتشکیل کمسیون ویژه برای اصلاح نظام انتخاباتی صحبت میکرد. سرپرست ولایت بلخ از جایگاه شاخص در حکومت وحدت ملی برخورداراست، امابه گفتهٔ وی تاکنون رئیس جمهور و رئیس اجرائیه درمورد جایگاه وی در حکومت تصمیم نهایی نگرفته اند. رحیمی بااشاره به رویدادهای اخیردر ولایات شمال گفت حضور عطا محمد نور برای ثبات در شمال افغانستان محسوس است.

این درحالیست که سازمان دیدبان حقوق بشر آقای نور را به نقض حقوق بشرمتهم کرده است، اتهاماتی که همواره از جانب آقای نور رد شده و توطیهٔ سیاسی خوانده شده است .

قدردانی ازدگروال رجب محمد کمیسارشغنان

اول جولای/کابل ـباختر: داکترعبدالله رئیس اجراییه ازدگروال رجب محمد کمیسارشغنان ولایت بدخشان به دلیل بازداشت سه تن از متهمان فساد مالی وزارت شهرسازی، درقصر سپیدار تقدیر نمود. رئیس اجراییه درحالیکه عملکرداین افسر رامی ستود، از وی بعنوان نمادی ازشجاعت و وطندوستی یادنمودکه منافع علیای ملی را مهمتر از همه چیز دانسته و وظایف دینی و ملی خویش را به وجه احسن در مبارزه با فساد و مفسدین انجام داده است.

احمدنواز بختیاری، رئیس تصدی خانه سازی، محمدامین قانع، مسئول دفترانسجام اپارتمانهای وزارت شهرسازی وسیدامان الله سادات مسئول مالی دفترانسجام اپارتمانها، سه مقام ارشدوزارت شهرسازی اندکه درفهرست شش نفری متهمین به فساد مالی از سوی دادستانی کل کشور قرارداشتند و ممنوع الخروج اعلان شده بودند. آنان هنگامیکه درین اواخرمیخواستند ازطریق بدخشان به تاجکستان فرارنمایند، توسط دگروال رجب محمدبازداشت و به پنجه قانون سپرده شدند.

برگزاری جلسه کمیته انکشاف منابع بشری

داکتر اسدالله حنیف بلخی

۲۸جون/کابل ـباختر: جلسه رهبری کمیته انکشاف منابع بشری دیروزبه ریاست داکتر اسدالله حنیف بلخی وزیرمعارف برگزار شد. در این جلسه روی موضوعات مهم ازجمله پلان های ۱۰۰ روزه وزارت ها بحث صورت گرفت. اعضای مجلس پلان های ۱۰۰روزه را برای بهبود و هماهنگی امورمهم دانسته تاکید کردندکه گزارش های این پلان ها وقتا فوقتا به مردم تقدیم وتشریح گردند .

معین وزارت تحصیلات عالی، نماینده وزارت امورزنان، نمایندگان سفارت کانادا، یو اس ای دی، یونیسف وشماری از نهاد های ملی و بین المللی کمک دهنده درین جلسه اشتراک ورزیده بودند.

وزیرمعارف جلسه رهبری انکشاف منابع بشری رامهم ارزیابی نموده، تاکید کردکه بایداین جلسات بوقت آن تدویر گردد. جلسه مذکور در هرسه ماه برگزار میگرددکه طی چندین ماه به دلیل سرپرستی وزارتها دایر نگردیده بود.

دراخیر مجلس، نمایندگان تمام کشورهای کمک دهنده وعده دوام همکاری های تخنیکی و ظرفیت سازی شان را با وزارت معارف تجدید کردند .

انفجاردرقندهار سه شهیدو ۱۳زخمی بجاگذاشت

۶ جولای/قندهارـباختر: دریک انفجاردرشهرقندهار شب گذشته سه تن به شمول یک زن، یک کودک ویک پلیس شهید و۱۳ نفرزخمی شدند. سخنگوی والی قندهار گفت: این انفجار حین افطاری زمانی رخ دادکه مواد انفجاری که در یک موترسایکل جاسازی شده بود انفجارنمود. بیشتر زخمیهای رویداد را زنان واطفال تشکیل میدهدکه به شفاخانه میرویس قندهار انتقال شده وبه گفته مسئولان صحی شفاخانه، وضعیت چهار تن از زخمیها وخیم میباشد.

تقاضای محاکمهٔ مسئولان امنیتی وردک

۵ جولای/کابل ـباختر: حادثه اخیر درولسوالی جلریزواکنشهای را درمیان مردم بارآورده شماری ازفعالان جامعه مدنی امروز دتجمعی درکابل مسئولان امنیتی ولایت میدان وردک را متهم به غفلت دروظیفه نموده خواستار محاکمه شان شده تاکید کردندکه جلریز خون فرزندان مارا ریخت مگرمسئولان توجیه میکنند. آنان دریک اعلامیه از حکومت خواستند افرادی که در پیوند به این رویداد کوتاهی کرده اند هرچه عاجل از وظیفه شان سبکدوش و به ارگان های عدلی معرفی شوند. فعالان جامعه مدنی همچنان خواهان متوقف شدن پروسه صلح و لغو شورایعالی صلح شدند و ازشورای امنیت سازمان ملل متحد خواستار درج گروه طالبان بعنوان گروه تروریستی درلست سیاه آن سازمان گردیدند.

پیکرهای شهدای جلریز تشییع گردید

۶ جولای/کابل ـباختر: پیکرهای شهدای ولسوالی جلریز ولایت میدان وردک دیروز دریک مراسم رسمی در شفاخانه چهارصد بستر تشییع شد. حاجی محمدمحقق معاون ریاست اجرائیه درین مراسم ضمن تسلیت به پیشگاه ملت افغانستان، شهادت در راه دفاع از وطن رایک ارزش عنوان کرده گفت: این رویداد درفاصله سی کیلو متری پایتخت و در ده کیلومتری مرکز ولایت میدان وردک پس از آن رویداد که جوانان دلیر کشور در مدت سی ساعت مبارزه هرچه فریاد کشیدند و کمک خواستند کسی آنان را یاری نکرد.

محقق افزود: مردم افغانستان از شهادت نمی هراسند اما جای تاسف دراین جاست که جوانان قهرمان کشور درجلریز، گرسنه وتشنه وشب بدون افطاری در برابر دشمنان قسم خورد مردم افغانستان رزمیدند و پس از آنکه مهمات شان تمام شد و نیروی کمکی نیز به آنان نرسید بسیار مظلومانه به شهادت رسیدند. وی افزود: ازهنگامیکه جنگ در نزدیکی پاسگاهای نیروهای امنیتی رسید،آنان محاصره وطالب کمک شدند. او تمام مقامهای ذیربط وشخص رئیس جمهور رادر جریان قرارداد، اماکسی جوانان در حال دفاع مردم افغانستان را یاری نکرد. معاون ریاست اجرائیه گفت که از میان تمام مقام های ذیربط تنها سرپرست وزارت دفاع وعده داد که کمک میکند اما بعد ازسی ساعت، زمانیکه دیگر کار ازکارگذشته بود، یک بال هلیکوپتر ویک تعداد از نیروها را در مرکز ولسوالی اعزام کرد.

محقق خواستار تشکیل هیئت حقیقت یاب برای بررسی رویدادخونین جلریز ومجازات عاملان این جنایت شد وتاکیدکرد که در رویداد جلریز ابهام بسیار جدی وجود دارد که مسولان ذیربط باید به پیشگاه ملت افغانستان پاسخ دهند. استاد محقق علاوه کردکه برخورد دوگانه دربرابرمدافعان ونیروهای امنیتی وجود داردکه اگرچنین نمیبود، بدون شک، جنایت جلریز به وقوع نمی پیوست .موصوف دراخیریکباردیگرشهادت ۲۲تن ازنیروهای امنیتی درجلریز را به ملت افغانستان و خانواده شهدا تسلیت گفته به عاملان این جنایت و آنانیکه در راستای جلوگیری از وقوع این رویداد کوتاهی کرده اند نفرین فرستاد.

تلاش برای بازداشت عاملان اسید پاشی

۵جولای/هرات ـباختر: مسئولان صحی ولایت هرات ازبهبود وضع جسمی دوشاگرد دختر۱۵و۱۸ساله که مورد اسیدپاشی قرارگرفته بودند خبر دادند.انان شاگردلیسه مهری هروی هستندکه دیروز ازسوی افراد ناشناس بامواد کیمیاوی موردحمله قرارگرفته بصورت سطحی مجروح شدند.

اصیل الدین جامی معاون ولایت هرات با نکوهش این اقدام به مسئولان پلیس وارگانهای کشفی دستورداده تاازهمه امکانات بخاطر شناسایی ودستگیری عاملان این رویداد استفاده نمایند. او ایجاد اخلال درنظم عمومی وبی حرمتی به اهل معارف را غیرقابل پذیرش خوانده است.

محمدرفیق شیرزی سخنگوی شفاخانه هرات گفت شاگرد هاحوالی ساعت هفت وسی دقیقه صبح امروز به شفاخانه مرکزی شهر هرات انتقال یافته جهت ارائه خدمات تداوی مناسب تر به شفاخانه تخصصی چشم (نور)اعزام شدند. داکترجمال عبدالناصر آخوند زاده متخصص چشم و رئیس شفاخانه تخصصی نورگفت: درحال حاضر وضع بهداشتی این دو شاگرد رضایت بخش است وتنها یکی ازآنان تاحدودی قرنیه چشمش آسیب دیده وخدمات تداوی مناسب برای وی ارائه شده است .

****

دست رئیس جمهور... (دنباله ازصفحهٔ ششم)

مردم بدخشان داده نشده است و مردم منتظراند که دولت به آنان اجازه دهند و در تجهیزشان کمک کند.

تاثیر اقتصادی و اجتماعی جنگ در بدخشان:آقای طلب الدین معاون شورای ولایتی بدخشان میگوید: جنگ بالای تمام بخش های زندگی مردم تاثیر منفی کرده و به خصوص شمار پروژه های انکشافی در بدخشان را به شدت کاهش داده است. او اذعان می دارد که اکنون در مناطق از بدخشان پروژه های نسبی انکشافی وجود دارد که آن مناطق در پارلمان افغانستان نماینده دارند. اوجنگ را درافزایش فقر و بیکاری و عقب افتادگی بدخشان موثر توصیف کرده از حکومت مرکزی می خواهد که هرچه زودتر به معضل نا امنی در بدخشان پایان دهد.به عقیده کارشناسان موقعیت ژیوپولوتیکی ولایت بدخشان افغانستان که سرحد مشترک با چند کشور در آسیای میانه و با چین دارد و از جانبی هم با توجه به عوارض طبیعی کوهستانی بودن که مستعد جنگ های چریکی است موجب دلگرمی تروریستان در بدخشان شده و سبب ناامنی آن ولایت شده است./**********

نامهٔ سرگشاده ... (دنباله ازصفحهٔ هفتم)

در آن شهری که سگ ها معرفت از گربه می آموزند
همان شهری که سگ ها بره از گرگ می دزدند
در آن شهری که چشم خفته از بیدار بیناتر
همان جایی که غم از سینه غم ساز می دزدند
من از خوش باوری آنجا (محبت) جستجو کردم
در آن شهری که فریاد از دهان باز می دزدند ! /